

هرگز به نیکی [واقعی] نمی‌رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید، و آنچه از هر چیزی انفاق کنید [به هر کمیت و کیفیتی] قطعاً خداوند به آن داناست (۹۲) همه خوراکی‌ها پیش از آن که تورات نازل شود برای بنی اسرائیل حلال بود جز آنچه اسرائیل، بر خود حرام کرد، بگو: اگر راستگو هستید [و حقیقت غیر از این است که بیان شد]، تورات را [که پنهان کرده‌اید] بیاورید و آن را بخوانید [تا روشن شود که در نسبت‌دادن حرام‌های تورات به آیین ابراهیم و یعقوب دروغ می‌بندید] (۹۳) پس کسانی که بعد از این [مطالب واضح]، بر خداوند دروغ ببندند، یقیناً ستمکار [به معارف الهی] اند (۹۴) [ای پیامبر! به یهودیان] بگو: خداوند راست گفت [که خوراکی‌های مورد ادعای شما در آیین ابراهیم حرام نبوده است]، پس [در حلال‌بودن آن‌ها] از آیین ابراهیم یکتا پرست پیروی کنید که او از مشرکان نبود (۹۵) همانا نخستین خانه‌ای که برای [نیایش و عبادت] مردم بنا نهاده شد همان است که در مکه پُربرکت قرار دارد، و وسیله هدایت برای جهانیان است (۹۶) در آن نشانه‌های روشن [از ربوبیت و رحمت خدا] و [از جمله] مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود در امان است، خداوند را بر عهده مردم حقی لازم است که [برای ادای مناسک حج] آهنگ آن خانه کنند، [البته و خوب آن برای] کسانی [است] که [با برخورداری از سلامت جسمی و توانمندی مالی] بتوانند به سوی آن راه یابند، و هر کس منکر [و خوب آن] شود [و از فرمان خدا در مورد این تکلیف لازم روی برتابد به خداوند زیان نمی‌رساند؛ زیرا] خداوند از جهانیان [و اعمال نیک آنان] بی‌نیاز است (۹۷) بگو: ای اهل کتاب! چرا منکر آیات خدا هستید در صورتی که خداوند به آنچه انجام می‌دهید گواه است؟ (۹۸) بگو: ای اهل کتاب! چرا مؤمنان را از راه خدا باز می‌دارید در حالی که [با وسوسه‌اندازی]، خواهان کج نشان‌دادن آن هستید؟ ضمن این که شما [مستقیم‌بودن آن را] می‌دانید، خداوند از آنچه انجام می‌دهید بی‌خبر نیست (۹۹) ای مؤمنان! اگر از گروهی از اهل کتاب، [که یهودیان معاند و نصرانی‌های کج‌اندیش اند] اطاعت کنید شما را پس از ایمانتان، به کفر باز می‌گردانند (۱۰۰)

چگونه کفر می‌ورزید درحالی‌که آیات [کتاب] خداوند بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او در بین شماست؟! هرکس به خدا پناه جوید قطعاً به راه مستقیم هدایت شده است (۱۰۱) ای مؤمنان! خود را از محرمات خداوند به‌گونه‌ای که شایسته اوست حفظ کنید، و نمیرید مگر درحالی‌که تسلیم [او] باشید (۱۰۲) و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام] چنگ زنید، و گروه‌گروه نشوید، و نعمت خدا را بر خود قلباً یاد کرده؛ آن‌گاه که [پیش از بعثت پیامبر] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند برقرار کرد، در نتیجه به سبب رحمت او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید ولی شما را از آن نجات داد، خداوند این‌گونه، نشانه‌های [لطف و رحمت] خود را برای شما توضیح می‌دهد تا هدایت شوید (۱۰۳) باید از شما گروهی باشند که همه مردم را به خیر [عقاید پاک و اعمال شایسته و اخلاق حسنه] دعوت کنند، و از همه زشتی‌ها بازدارند، این گروه سعادت‌مندان‌اند (۱۰۴) [شما ای مؤمنان!] مانند کسانی نباشید که پس از آن‌که دلایل روشن برای آنان آمد گروه‌گروه شدند، و [در امر دین و احکام حق] اختلاف پیدا کردند، برای آنان [به سبب تفرقه و اختلاف] عذابی بزرگ است (۱۰۵) [به یاد آرید] روزی [را] که چهره‌هایی سپید، و چهره‌هایی سیاه شود، اما به کسانی که دچار روسپاهی‌اند [گویند:] آیا پس از ایمانتان کافر شدید؟! پس به کیفر آن‌که همواره [حقایق الهی را] منکر می‌شدید [این] عذاب را بچشید (۱۰۶) اما کسانی که [آراسته به] روسپیدی [ی] هستند در رحمت خداوند و در آن جاودانه‌اند (۱۰۷) این‌ها [حقایق] آیات خداست که آن را به راستی و درستی بر تو می‌خوانیم، خداوند آهنگ هیچ ستمی را بر جهانیان ندارد. (۱۰۸)

آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و همه امور به‌سوی او بازگردانده می‌شود (۱۰۹) بهترین امتی که به سود همه جوامع انسانی پدیدار شده شماست؛ زیرا [دیگران را] به کارهای پسندیده وامی‌دارید، و از همه کارهای ناپسند بازمی‌دارید، و [از روی تحقیق و با تکیه بر معرفت و اخلاص] به خداوند ایمان دارید، اگر اهل کتاب [به اسلام] مؤمن می‌شدند قطعاً برای آنان بهتر بود، [تنها] اندکی از آنان مؤمن [به اسلام]، و بیشترشان منحرف و نافرمانند (۱۱۰) [تبهکاران از اهل کتاب] هرگز به شما جز آزاری اندک نمی‌رسانند، و اگر با شما بجنگند [با شکستی مفتضحانه] به شما پشت کرده [فرار می‌کنند]، و پس از آن [شکست، از طرف دیگران] یاری نمی‌شوند (۱۱۱) هر زمان و هرکجا یافت شوند خواری و ذلت [فراگیری] بر آنان قرار داده شده، مگر [آن‌که] به پیوند با خداوند و پیوند با مردم [مؤمن تمسک جویند]، و به خشم خداوند دچار شدند، و مسکنت [فراگیری] بر آنان مقرر شد، این [خشم خدا و خواری] بدان علت بود که آنان همواره منکر آیات خدا می‌شدند، و ظالمانه پیامبران را می‌کشتند، سب [این جنایاتشان] این بود که [از دستورهای من] سرپیچی داشتند، و پیوسته [از حدود حق] تجاوز می‌کردند (۱۱۲) [همه اهل کتاب در حالات خود] یکسان نیستند، گروهی از آنان [که به اسلام گرویده‌اند] قیام [به طاعت و عبادت حق] دارند، آیات خدا را در ساعاتی از شب [با دقت در محتوای آن و به قصد عمل] می‌خوانند، و [فروتنانه در پیشگاه خداوند] سجده می‌کنند (۱۱۳) [آنان] به خداوند و روز قیامت مؤمن هستند، و [مردم را] به کارهای شایسته دعوت می‌کنند و از اعمال زشت بازمی‌دارند و به کارهای خیر می‌شتابند، اینان از شایستگان هستند (۱۱۴) هر کار خیری انجام دهند هرگز [در باره آن] مورد ناسپاسی قرار نخواهند گرفت، خداوند به آنان که خود را از محرمات حفظ می‌کنند داناست (۱۱۵)

بی‌تردید هرگز اموال و فرزندان کافران چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف نخواهد کرد، آنان اهل آتشند و در آن جاودانه‌اند (۱۱۶) داستان آنچه [کافران] در این زندگی دنیا [بر پایه هوا و هوس خود] اتفاق می‌کنند، مانند بادی آمیخته با سرمایی سخت است که به کشتزار قومی که به خود ستم کرده‌اند برسد و آن را از بیخ‌و‌رین نابود کند، خداوند به آنان ستم نکرده ولی آنان همواره به خود ستم می‌ورزند (۱۱۷) ای مؤمنان! از غیر خودتان [که شیطان مجسم هستند] برای خود محرم راز انتخاب نکنید، [بیگانگان] از هیچ توطئه و فتنه‌ای درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، گرفتاری و زیان شما را دوست دارند، یقیناً دشمنی [با اسلام و مؤمنان] از لابه‌لای سخنانشان پیداست، و آنچه در درونشان [از کینه و نفرت] پنهان می‌دارند بزرگ‌تر است، ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را اگر اندیشه کنید برای شما روشن ساختیم (۱۱۸) آگاه باشید! این شما هستید که [به عللی چون همسایگی، خویشاوندی و هموطن‌بودن] آنان را دوست دارید، و آنان یقیناً شما را دوست ندارند، شما به همه کتاب‌های آسمانی مؤمن هستید، [ولی آنان منکر قرآن می‌باشند،] چون با شما دیدار کنند [به قصد فریب شما] می‌گویند: به اسلام ایمان آوردیم. و هنگامی که [در پنهان با یکدیگر] خلوت کنند از شدت خشمی که [بر شما] دارند سر انگشتان خود را بر ضد شما می‌گزند، بگو: به خشمتان بمیرید! یقیناً خداوند به اسرار و نیات باطن‌ها آگاه است (۱۱۹) اگر به شما خیری رسد آنان را بدحال و افسرده می‌کند، و اگر شری برای شما پیش آید به سبب آن خوش حال می‌شوند، اگر شکیبایی ورزید و خود را از محرمات حفظ کنید نیرنگشان هیچ زبانی به شما نمی‌رساند، بی‌تردید خداوند به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد (۱۲۰) [به یاد آر] زمانی که صبحگاهان برای آن‌که مؤمنان را در جهت جنگیدن در سنگرهای نظامی جای دهی، از بین خانواده‌ات بیرون رفتی، خداوند شنوا [ی گفته‌ها] و دانا [ی به نیت‌ها] است (۱۲۱)

[به یاد آرید] هنگامی که دو گروه از شما تصمیم گرفتند از رفتن به جهاد سستی کنند، خداوند یاورشان بود [که از این قصدِ شیطانِ بازشان داشت]، مؤمنان باید در همهٔ امور بر خدا توکل کنند (۱۲۲) مسلماً خداوند در جنگ بدر شما را یاری داد درحالی که [از نظر نبرد و اسلحه] ناتوان بودید، پس برای این که [نعمت پیروزی را] سپاس‌گزاری کنید خود را از محرمات خدا حفظ کنید (۱۲۳) در آن زمان به مؤمنان می‌گفتی: آیا برای شما کافی نیست که پروردگارتان با سه هزار فرشتهٔ نازل‌شده شما را یاری دهد؟ [پس ترس و دلهره از دشمن چرا؟!] (۱۲۴) آری، اگر [امروز هم] صبر و استقامت کنید و از حرمت فرار از جنگ خود را حفظ کنید، چنانچه دشمنان سریعاً با جوش و خروش بر شما بتازند پروردگارتان با پنج هزار فرشتهٔ نشاندار شما را یاری خواهد داد (۱۲۵) خداوند، این [وعدۀ یاری] را جز مژده‌ای برای [تقویت روحیۀ] شما و به‌خاطر این که دل‌هایتان به سبب آن [از دغدغه و اضطراب] آرامش بگیرد قرار نداد، و یاری‌دادن جز از سوی خداوند توانای شکست‌ناپذیر و حکیم نیست (۱۲۶) [یاری خداوند برای این بود] تا برخی از کافران را نابود کند یا خوارشان سازد، و نا امید [از عرصۀ جنگ] بازگردند (۱۲۷) زمام چیزی از امور [مشرکان و مسلمانان] فراری از جنگ [در اختیار تو نیست، یا [خداوند] توبۀ آنان را [به شرط آن که توبۀ واقعی کنند] می‌پذیرد، یا [در صورت عدم توبه] عذابشان می‌کند؛ زیرا آنان [با این بازیگری‌ها] ستمکارند (۱۲۸) آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطرۀ مالکیت و فرمانروایی خداست، فقط اوست که هر که را بخواهد می‌آمزد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است، (۱۲۹) ای مؤمنان! ربا را به چندین برابر سود روی سود نخورید، [و با این کار زشت خانواده‌ها را از هستی ساقط نکنید!] خود را از محرمات خدا حفظ کنید تا سعادتمند شوید (۱۳۰) و از آتشی که برای منکران [خدا و احکامش] آماده شده خود را حفظ کنید! (۱۳۱) و از خداوند و پیامبر اطاعت کنید تا مورد رحمت قرارتان دهند (۱۳۲)

و به سوی آمرزشی ویژه از سوی پروردگارتان و بهشتی که پهنایش، [پهنای] آسمان‌ها و زمین است بشتابید؛ بهشتی که برای خود نگهداران از محرمات آماده شده است (۱۳۳) هم آنان که در رفاه و تنگدستی انفاق می‌کنند، و خشم خود را فرو برده، و از [خطای] مردم می‌گذرند، خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۳۴) آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند، یا بر خود [به سبب غفلت] ستم ورزند، و [پیش از فرصت‌سوزی] خدا را قلباً یاد کرده، در نتیجه برای گناهانشان درخواست آمرزش می‌کنند؛ به‌راستی چه کسی جز خداوند گناهان را می‌آمرزد؟! و آگاهانه بر گناهانی که مرتکب شده‌اند پافشاری نمی‌کنند (۱۳۵) پاداششان آمرزشی است ویژه از سوی پروردگارشان، و بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، پاداش عمل‌کنندگان نیکوست (۱۳۶) همانا پیش از شما روش‌هایی [چون فرمان عذاب] به وقوع پیوسته است، [که هیچ جامعه ستمکاری از آن‌ها در امان نیست]، پس در زمین بگردید و با تأمل بنگرید که پایان [زندگی] منکران [حقایق الهی] چگونه بود؟ (۱۳۷) این [قرآن] روشنگر [حوادث و وضع و حال جوامع] برای همه مردم است، و [همه آياتش] هدایت و اندرزی برای خود نگهداران از محرمات است (۱۳۸) [در انجام فرمان‌های خدا و پیامبر و در عرصه نبرد با دشمنان] سستی نکنید، و [از پیش‌آمدها] اندوهگین نشوید، که شما اگر [از روی راستی و درستی] مؤمن باشید از همه برترید (۱۳۹) اگر [در جنگ اُحد] به شما آسیب و جراحی رسید به گروه دشمن نیز [در جنگ بدر] آسیب و جراحی مانند آن رسید، ما این روزها [ی پیروزی و شکست] را [به عنوان امتحان و مایه بیداری] در میان مردم می‌گردانیم [تا پسند گیرند]، و خداوند کسانی را که [از روی حقیقت] ایمان آورده‌اند مشخص کند، و از میان شما گواهانی بر پیروزی مؤمنان و شکست دشمنان انتخاب کند، خداوند ستمکاران را دوست ندارد (۱۴۰)

[این پیروزی‌ها و شکست‌ها] برای این است که خداوند مؤمنان را [از عیوب و کمبودهای معنوی] پاک و خالص گرداند، و کافران را نابود کند (۱۴۱) آیا پنداشته‌اید وارد بهشت می‌شوید؟ درحالی‌که هنوز خداوند جهادکنندگان از شما و شکیباییان را مشخص نکرده است! (۱۴۲) شما پیش از روبرو شدن با جهاد به شدت آرزوی مردن در آن میدان را داشتید، چون عرصه جنگ احد را دیدید و مقدمات آن را تماشا می‌کردید مشخص شد که صادقانه آرزوی مرگ در جهاد را نداشتید (۱۴۳) محمد [صلی الله علیه و آله] جز فرستاده‌ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی [آمدند و] درگذشتند، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود [اسلام را رها کرده]، به [فرهنگ منحط جاهلی] برمی‌گردید؟! هرکس به [فرهنگ جاهلی] برگردد هیچ زبانی به خدا نمی‌زند، مسلماً خدا سپاس‌گزاران را [که به اسلام وفادارند] پاداش می‌دهد (۱۴۴) هیچ‌کس جز به خواست خدا نمی‌میرد، مردن سرنوشتی است معین‌شده، هرکه پاداش دنیا را بخواهد اندکی به او می‌دهیم، و هرکه خواستار پاداش آخرت باشد از آن پاداش به او عطا می‌کنیم، یقیناً سپاس‌گزاران را پاداش خواهیم داد (۱۴۵) چه بسا پیامبرانی که انبوهی از الهی‌مسلکان به همراه آنان با دشمنان جنگیدند، و در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند، و [در برابر دشمن] سر تسلیم فرود نیاوردند، خداوند صابران را دوست دارد (۱۴۶) و سخن آنان [در عرصه جنگ و سختی آن] جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و زیاده‌روی در کارهایمان را بر ما ببخش! و قدم‌هایمان را [در راه جهاد] استوار ساز! و ما را بر کافران پیروز کن! (۱۴۷) خداوند هم پاداش این دنیا و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۴۸)

ای مؤمنان! اگر از کفرپیشگان اطاعت کنید شما را به [آیین جاهلی] گذشتگان بازمی‌گردانند، در نتیجه از تبه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] خواهید شد (۱۴۹) [آنان شایسته سرپرستی شما نیستند،] بلکه خداوند سرپرست شماست و او بهترین یاری‌دهندگان است (۱۵۰) به زودی در دل کافران به سبب این‌که بدون نازل شدن دلیلی چیزهایی را شریک خدا قرار دادند ترس می‌اندازیم، جایگاهشان آتش است، و بد است جایگاه ستمکاران! (۱۵۱) همانا خداوند وعده‌اش را نسبت به شما [در مورد شکست دشمن در جنگ اُحد] تحقق بخشید، آن‌گاه که دشمنان را به خواست او تا مرز ریشه‌کن شدنشان می‌کشید، تا زمانی که [به علت چشم‌دوختن به مال دنیا] سست شدید، و [در کار جنگ و جمع‌آوری غنیمت و حفظ محل رخنه دشمن] به نزاع پرداختید، و پس از آن‌که آنچه را [از غنیمت و پیروزی] دوست داشتید به شما نشان داد [از دستورهای پیامبر که ضامن تداوم پیروزی بود] سرپیچی کردید، برخی از شما خواهان دنیا بودند و بعضی خواستار آخرت، سپس خداوند برای این‌که شما را امتحان کند [تا دنیاخواهان از آخرت‌خواهان مشخص گردند] شما را از [پیروزی بر] دشمن بازتان داشت، و همانا [به سبب ندامت از کارتان] از شما گذشت کرد؛ خداوند بر مؤمنان دارای احسان است (۱۵۲) [به یاد آرید] زمانی که [از میدان جنگ تا مرز پنهان شدن از دیده‌ها] دور می‌شدید، و به هیچ‌کس توجه نداشتید درحالی‌که پیامبر [که پاسخ به دعوتش واجب است] شما را از پشت سرتان [برای دفاع از حق، و عقب‌راندن دشمن] فرامی‌خواند [و شما نمی‌پذیرفتید]، پس خداوند شما را به اندوهی پی‌درپی مجازات کرد، تا این‌که [پس از آن] بر آنچه [از پیروزی و غنیمت] از دست داده‌اید، و به آنچه [از آسیب و شکست] به شما رسیده محزون نشوید؛ خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۵۳)



سپس بعد از آن اندوه [پی‌درپی] خواب آرام‌بخشی بر شما فرود آورد که گروهی از شما را فراگرفت، و گروهی وسوسه حفظ جانشان پریشان‌خاطرشان کرده بود [تاجایی که خوابشان نمی‌برد]، آنان درباره خداوند بر اساس [فرهنگ زمان] جاهلیت گمان نادرست داشتند، گفتند: [با این وضع آشفته‌ای که پیش آمده] آیا از پیروزی نصیبی به ما خواهد رسید؟! بگو: [سررشته] همه امور به دست خداست، آنان در دل‌هایشان چیزی را پنهان می‌کنند که برای تو آشکار نمی‌سازند، [در دل] می‌گویند: اگر [به سبب مسلمان‌بودنمان] نصیبی از پیروزی داشتیم در این جا کشته نمی‌شدیم، بگو: اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدند بر آنان مقرر شده بود مسلماً به سوی آرامگاه‌های خود بیرون می‌آمدند، [این حوادث سخت] برای این بود که خداوند آنچه را [از نیت درست و نادرست] در سینه‌های شماست [در میدان عمل] بیازماید، و آنچه در دل‌هایتان [از عیوب و ناخالصی‌ها] است پاک سازد؛ و خداوند به اسرار و نیات باطن‌ها آگاه است (۱۵۴) همانا روزی که [در میدان اُحد] دو گروه [مؤمن و مشرک] با هم روبه‌رو شدند کسانی از شما فرار [را بر قرار اختیار] کردند، جز این نیست که شیطان آنان را به سبب برخی از گناهایی که مرتکب شده بودند لغزانید، یقیناً خداوند از آنان درگذشت؛ زیرا خدا بسیار آمرزنده و بردبار است (۱۵۵) ای مؤمنان! مانند کفر پیشگان نباشید که درباره برادران [ایمانی و نسبی] خود وقتی به سفری [برای امور دین] رفتند [و در سفر مُردند]، یا به جنگ رفته [و کشته شدند برای متزلزل کردن افراد] گفتند: اگر نزد ما [مانده] بودند نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند، [شما به گفتار واهی و باطل آنان اعتنا نکنید] تا خداوند این گفتار را حسرتی در دل‌هایشان قرار دهد، [یقیناً سفر و جهاد، علت و عامل مرگ و کشته‌شدن نیست، بلکه] خداوند است که به [اراده‌اش] زنده می‌کند و می‌میراند، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست (۱۵۶) اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید یقیناً آمرزش و رحمتی که از سوی خداوند نصیب شماست از آنچه آنان [در همه عمرشان] جمع می‌کنند بهتر است (۱۵۷)

و اگر بمیرید یا کشته شوید به سوی خداوند محشورتان می‌کنند (۱۵۸) [ای پیامبر!] فقط به سبب رحمتی از سوی خداوند به آنان [مهربان و] نرم خوی شدی، اگر درشت خوی و سنگدل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند، بنابراین از [خطاکاران] آنان درگذر و برای آنان آمرزش بخواه، و درکارها با آنان مشورت کن! و چون تصمیم [بر انجام کاری] گرفتی بر خداوند توکل کن؛ زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد (۱۵۹) اگر خداوند شما را یاری کند هیچ‌کس بر شما چیره نخواهد شد، و اگر شما را واگذارد چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؛ مؤمنان باید فقط بر خدا اعتماد کنند (۱۶۰) برای هیچ پیامبری [شایسته] نیست که [در هیچ کاری] خیانت کند، هرکه به خیانت آلوده شود روز قیامت آنچه را در آن خیانت کرده بیاورد، سپس به هرکس [عین همان] عمل [خائنانه] او را به‌طور کامل [به‌صورت عذاب] می‌دهند، و [در این زمینه] مورد ستم قرار نمی‌گیرند (۱۶۱) آیا کسی که [با ایمان و عمل صالح] به دنبال خشنودی خداست مانند کسی است که به خشم خدا دچار شده، و جایگاهش دوزخ است؟ و [دوزخ] عاقبت بدی است! (۱۶۲) برای آنان، [چه خوبشان و چه بدشان] نزد خدا درجات [متفاوتی] است، خداوند به آنچه انجام می‌دهند بیناست (۱۶۳) یقیناً خداوند به مؤمنان نعمتی عظیم و ارزشمند عطا فرمود آن‌گاه که در بین آنان پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند، و [از هر نوع آلودگی] پاکشان می‌کند، و کتاب و معارف استوار و سودمند به آنان می‌آموزد، درحالی‌که مسلماً آنان [پیش از بعثت پیامبر] در گمراهی آشکاری بودند (۱۶۴) آیا آن زمان که [در جنگ اُحد] آسیبی به شما رسید که یقیناً دو برابرش را [در جنگ بدر به دشمن] رساندید، [از روی بی‌صبری و بی‌توجهی به وضع خودتان] می‌گویید: این [آسیب] از کجاست؟ بگو: از ناحیه خود شماست [که نتیجه مخالفت با پیامبر بود،] یقیناً خداوند بر هر کاری تواناست (۱۶۵)

آنچه در [جنگ اُحد،] روزی که دو گروه با هم روبه‌رو شدند به شما رسید به خواست خدا بود؛ تا مؤمنان [ثابت قدم] را مشخص نماید(۱۶۶) و نیز برای این بود که منافقان را [در این عرصه] بنمایاند، [همان‌هایی که چون] به آنان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید، یا [لااقل برای حفظ خود و نوامیس خویش] به دفاع برخیزید. گفتند: اگر یقین داشتیم جنگی اتفاق می‌افتد مسلماً دنبال شما می‌آمدیم [ولی چون یقین نداشتیم نیامدیم] آنان در آن روز به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان، به زبان‌شان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست، خدا به آنچه پنهان می‌کنند دانای‌تر است(۱۶۷) هم آنان‌که نشستند، و درباره برادران [ایمانی و نسبی] خود گفتند: اگر [در نرفتن به جنگ] از ما اطاعت می‌کردند کشته نمی‌شدند، بگو: اگر راست می‌گویید [که اختیار مرگ در دست شماست] پس آن را از خود دفع کنید(۱۶۸) هرگز آنان را که در راه خدا کشته شدند مُرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی ویژه‌ای به آنان عطا می‌شود(۱۶۹) درحالی‌که به آنچه خداوند از فزون‌بخشی و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند [به سبب مقاماتی ویژه آنان است] خوش‌حالتند، چون نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می‌شوند(۱۷۰) [کشتگان راه حق] به نعمت و فزون‌بخشی خاصی که از سوی خدا نصیب آنان است، و این‌که خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌کند شادمانند(۱۷۱) برای نیکوکاران و خود نگهداران از محرمات که دعوت خدا و رسول را پس از آن‌که در جنگ آسیب و زخم به آنان رسیده بود، [برای جنگی دیگر بعد از جنگ اُحد] اجابت کردند پاداشی بزرگ است(۱۷۲) هم آنان‌که مردم [منافع و عوامل نفوذی دشمن] به آنان گفتند: مردم [مکه] برای [حمله به] شما [لشگری انبوه] جمع کرده‌اند؛ بنابراین از آنان بترسید ولی این خبر بر ایمانشان افزود و گفتند: خداوند برای ما بس است، و او نیکو کارسازی است(۱۷۳)

[در جنگ «حَمْرَاءُ الْأَسَدِ» شرکت کردند]، پس با نعمت و احسانی بزرگ از سوی خدا [از جبهه جنگ] بازگشتند درحالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، ایشان خالصانه دنبال خشنودی خدا بودند؛ خداوند دارای احسانی بزرگ است (۱۷۴) فقط این شیطان است که دوستانش را [با شایعه پراکنی از رفتن به جنگ در راه خدا] می ترساند، پس اگر مؤمن هستید از آنان نترسید، از من بترسید [که مبدا مورد عقوبتم قرار گیرد] (۱۷۵) کسانی که شتابان خود را در دامن کفر می اندازند تو را غمگین نکنند، آنان ابداً هیچ زیانی به خدا نمی رسانند، خداوند اراده دارد [به سزای کفرشان] هیچ بهره‌ای در آخرت برایشان قرار ندهد، و برای آنان عذابی دردناک است (۱۷۶) مسلماً کسانی که کفر را به [بهای از دست دادن] ایمان خریدند هرگز به خداوند هیچ زیانی نمی رسانند، و برای آنان عذابی دردناک است (۱۷۷) و کسانی که کافر شدند گمان نکنند مهلتی که به آنان می دهیم به سودشان خواهد بود، جز این نیست که مهلتشان می دهیم تا برگناه [خود] بیفزایند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است (۱۷۸) خداوند بر آن نیست که مؤمنان را با شما [تبهکاران] بر این [نفاق] که هستید [ناشناخته] رها کند، بلکه بر آن است [تا به سبب آزمایش،] پلید را از پاک جدا سازد، و خداوند بر آن نیست که شما را بر غیب آگاه سازد، ولی خدا از میان فرستادگانش هرکس را بخواهد [برای دریافت علم غیب] انتخاب می کند، پس به خداوند و فرستادگانش [که عالم به غیبند] ایمان بیاورید، اگر ایمان بیاورید و خود را از محرمات حفظ کنید پاداش بزرگی برای شما خواهد بود (۱۷۹) کسانی که به آنچه خداوند از احسانش به آنان عطا کرده بخل می ورزند گمان نکنند که این [بخل ورزی] به سود آنان است؛ بلکه این به زیانشان خواهد بود، یقیناً آنچه را به آن بخل داشتند در قیامت گردن بندِ گردنشان می شود، میراث آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره مالکیت خداست، و خداوند به آنچه انجام می دهد آگاه است (۱۸۰)

بی تردید خداوند سخن کسانی [از یهود] را که گفتند: «خداوند نیازمند است و ما بی نیازیم» شنید، مسلماً آنچه را گفتند و نیز آن [گناه بسیار بزرگشان] که پیامبران را ظالمانه کُشتند [در پرونده اعمالشان] می نویسیم، و [روز قیامت] می گوئیم: عذاب سوزان را بچشید! (۱۸۱) این نتیجه کارهایی است که با دست خود پیش فرستادید، و [گر نه] خداوند ستمکار به بندگان نیست (۱۸۲) کسانی [از یهود] که گفتند: خداوند به ما سفارش کرده که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما [به نشانه صدق پیامبری اش] یک قربانی بیاورد که آن را آتش غیبی بسوزاند، [به آنان] بگو: پیش از من پیامبرانی دلایل روشن و آنچه گفتید [برای صدق پیامبری شان] آوردند، اگر [در ادعای خود] راستگو هستید پس چرا آنان را کشتید؟ (۱۸۳) اگر [یهودیان] بهانه جو [تو را تکذیب کردند] غمگین مباش! [مسلماً رسولانی هم که پیش از تو دلایل واضح و نوشته‌های استوار] و کتاب روشنگر آورده بودند تکذیب شدند (۱۸۴) هرکسی مرگ را می‌چشد، و یقیناً روز قیامت پاداش‌هایتان به طور کامل داده می‌شود، پس هرکس را از آتش دور دارند و در بهشت درآوردند مسلماً کامیاب شده است، و زندگی دنیا [بدون ایمان به خداوند و عمل صالح] جز کالای فریبنده نیست (۱۸۵) بی تردید در زمینه اموال و جان‌هایتان امتحان خواهید شد، و قطعاً از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شد، و نیز از مشرکان، سخنان آزردهنده بسیاری خواهید شنید، اگر صبر کنید و خود را از محرمات خدا نگهدارید [برای شما بهتر است]، مسلماً این [صبر و خودنگهداری] از کارهای استوار است (۱۸۶)

و [به یاد آرید] زمانی که خداوند از عالمان اهل کتاب پیمان گرفت که حقایق مندرج در کتاب‌های آسمانی خود را قطعاً و حتماً برای مردم به خاطر هدایتشان بیان کنند و پنهانش نسازند. پس آن پیمان را ترک کرده به آن اعتنایی نکردند و در برابر ترک آن، بهائی اندک گرفتند، بد چیز است آنچه بدست می‌آورند (۱۸۷) البته گمان میر کسانیه که به سبب کارهای زشتشان بر ضد حقایق شادمانند، و دوست دارند به آنچه انجام نداده‌اند ستایش شوند [از عذاب خدا در امانند! آری] هرگز گمان میر که از عذاب نجات دارند؛ برای آنان عذاب دردناکی خواهد بود (۱۸۸) مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره خداست، و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۸۹) مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز نشانه‌هایی [بر قدرت، ربوبیت و رحمت خداوند] برای خردمندان است (۱۹۰) هم آنان که همواره خداوند را در حال ایستادن و نشستن و خوابیدن قلباً یاد کرده، و پیوسته در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند، [و از عمق دل می‌گویند:] پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تو [از هر عیب و نقصی] پاک و منزهی، ما را از عذاب آتش نگاه دار! (۱۹۱) پروردگارا! هرکه را تو در آتش اندازی به یقین او را رسوا کرده‌ای، و برای ستمکاران هیچ یآوری وجود ندارد (۱۹۲) پروردگارا! به راستی ما صدای نداده‌نده‌ای که مردم را به ایمان فرامی‌خواند شنیدیم که [می‌گفت:] به پروردگارتان ایمان آورید. پس ما ایمان آوردیم، پروردگارا! گناهان ما را بیامرز! و بدی‌هایمان را [از پرونده ما] محو کن! و ما را در زمره نیکان بمیران! (۱۹۳) پروردگارا! آنچه که به وسیله پیامبرانت به ما وعده داده‌ای عطایمان کن! و روز قیامت رسوایمان نسا؛ زیرا تو هرگز وعده‌شکن نیستی (۱۹۴)

نهایتاً پروردگارشان دعای آنان را مستجاب کرد؛ که یقیناً من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما مؤمنان را چه مرد یا زن که همه [از جهت انسانی و ایمانی] از یکدیگرید تباه نمی‌کنم، مسلماً کسانی که هجرت کردند و از خانه‌هایشان رانده شدند و در راه من آزار کشیدند، و جنگیدند و کشته شدند، گناهانشان را محو می‌کنم، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است در می‌آورم، که پاداشی ویژه از سوی خداوند است، و خداست که پاداش نیکو نزد اوست (۱۹۵) رفت و آمد کافران در شهرها [با متاع فراوان] تو را نفریبند (۱۹۶) [آنچه دارند] کالایی است اندک [و در سرایشی نابودی]، پس از آن جایگاهشان دوزخ است که بد جایگاهی است! (۱۹۷) ولی آنان که خود را [در همه امور] از محرمات خدا حفظ کردند، برایشان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، این بهشت‌ها پذیرایی از سوی خداست، و آنچه [غیر از بهشت‌ها] نزد خداست برای نیکان بهتر است (۱۹۸) مسلماً از اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و آنچه به سوی شما و آنچه به سوی خودشان نازل شده مؤمن‌اند، در حالی که در برابر خداوند، قلبی فروتن دارند، آیات خدا را [چون هواپرستان] به بهای اندک نمی‌فروشند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته است، بی‌تردید خداوند حسابرسی سریع است (۱۹۹) ای مؤمنان! [در برابر همه امور مربوط به دین] استقامت کنید! و دیگران را هم به استقامت وادارید! و با یکدیگر [در مسائل انسانی و اجتماعی] ارتباط داشته باشید! و خود را از محرمات خدا حفظ کنید تا سعادت‌مند شوید (۲۰۰)

## سورة نساء

### مدنی ۱۷۶ آیه

#### به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

ای مردم! خود را از محرمات پروردگارتان که شما را از یک تن آفرید و جفتش را از نیز از همان یک تن پدید آورد و از آن دو تن، مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت. و خود را از محرمات خداوندی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید، و از [قطع رابطه با] خویشاوندان [و پایمال کردن حقوقشان] حفظ کنید! بی‌تردید خداوند همواره نگهبان شماست (۱) اموال یتیمان را [پس از بلوغ و رشدشان] در اختیارشان بگذارید، و [اجناس] کم‌ارزش [خود] را با [اجناس] با ارزش [آنان] جابه‌جا نکنید، و اموالشان را با مخلوط کردن به اموال خود نخورید؛ زیرا این عمل گناهی بزرگ است (۲) اگر می‌ترسید که در مورد دختران یتیم [در صورت ازدواج با آنان] نتوانید به عدالت رفتار کنید از دیگر زنانی که مورد پسند شماست دود و سه‌سه و چهارچهار به همسری انتخاب کنید، چنانچه می‌ترسید [با آنان هم] به عدالت رفتار نکنید [به] یک زن، یا [به] کنیزانی که مالک شده‌اید [اکتفا کنید]، این [قانون] نزدیک‌ترین راه به اجتناب از ستم و انحراف از عدالت است (۳) مهریه زنان را به عنوان هدیه به خودشان پردازید! چنانچه چیزی از آن را با رغبت به شما ببخشند آن را حلال و گوارا هزینه [زندگی خود] کنید (۴) اموالشان را که خداوند مایه قوام [و تأمین زندگی] شما قرار داده به ابلهان ندهید، ولی از [درآمد] آن خوراکشان دهید و لباسشان بپوشانید، و با آنان سخن‌پسندیده گوید! (۵) یتیمان را تا زمانی که به سن ازدواج برسند [در امور زندگی و بلوغ فکری] آزمایش کنید، چنانچه در آنان رشد لازم را یافتید اموالشان را در اختیارشان بگذارید، و آن را از [بیم] آن‌که [مبادا] به سن بلوغ و رشد برسند [و از شما بگیرند] به اسراف و شتاب نخورید، [از سرپرستان ایتم] کسی که توانگر است باید [از برداشتن حق الزحمه] اجتناب کند، و آن که نیازمند است به اندازه متعارف [در آن] تصرف کند، زمانی که [خواستید] اموالشان را به خودشان واگذارید بر آنان شاهد بگیرید، و خداوند برای حسابرسی بس است (۶)



برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندانشان [پس از مرگ خود] بر جای می‌گذارند سهمی است، و برای زنان هم از آنچه پدر و مادر و خویشاوندانشان بر جای می‌گذارند سهمی است؛ اندک باشد یا بسیار این سهمی واجب است (۷) چون هنگام تقسیم [ارث]، خویشاوندان و یتیمان و مستمندان [که ارث‌بر نیستند] حاضر باشند، چیزی از آن را به ایشان بپردازید، و با آنان سخن پسندیده گوید، (۸) کسانی که اگر پس از خود فرزندان ناتوان بر جای گذارند، بر آنان بترسند [که حقوقشان ضایع شود] باید [از ضایع کردن حقوق ایتم‌دیگران] بیم داشته باشند، پس باید خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و [با یتیمان] سخن به صواب گوید (۹) بی‌تردید آنان که ستمکارانه اموال یتیمان را می‌خورند جز این نیست که در شکم‌های خود آتش می‌ریزند، و به زودی در آتش فروزان درآیند (۱۰) خداوند شما را درباره [ارث] فرزندانتان سفارش می‌کند که: سهم پسر مانند سهم دو دختر است، و اگر [وارثان آن میت] بیش از دو دخترند سهم آنان دوسوم میراث است، و اگر یک دختر است نصف میراث سهم اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت چنانچه فرزندی داشته باشد یک‌ششم میراث است، و اگر بی‌فرزند است و وارث فقط پدر و مادر است برای مادرش یک‌سوم است [و باقیمانده میراث، سهم پدر اوست]، و اگر میت برادرانی دارد سهم مادرش یک‌ششم است. [همه این سهام] پس از وصیتی [است] که [در مورد اموال خود] می‌کند، یا [پس از] بدهکاری [میت است، که باید پیش از تقسیم سهام پرداخت گردد]، شما نمی‌دانید پدران و فرزندانتان [که پس از مرگشان وارث اموالشان هستید] کدامیک برای شما سودمندترند؛ بنابراین تفاوت سهام شما را نگران نکنند، [تقسیم میراث به این صورت] فریضه‌ای از سوی خداوند است؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است (۱۱)

نصف میراثی که زنانان به جای می‌گذارند چنانچه فرزندی نداشته باشند سهم شماسست، و اگر برای آنان فرزندی باشد، یک‌چهارم میراث حق شماسست، [البته] پس از وصیتی که می‌کنند یا [پس از ادای] دینی [که بر عهده آنان است]. و برای زنانان اگر فرزندی نداشته باشید یک‌چهارم میراثی است که از شما باقی می‌ماند، و چنانچه فرزندی برای شما باشد یک‌هشتم میراث شما برای آنان است، بعد از وصیتی که کرده‌اید یا ادای دینی [که بر ذمه شماسست]. چنانچه مرد یا زنی که از او ارث می‌برند «کلاله» است، [یعنی پدر و مادر و فرزندی ندارد ولی] برادر و خواهر دارد، سهم هر یک از آن دو نفر یک‌ششم [میراث] است، و اگر بیش از این باشند در یک‌سوم [میراث] شریکند، [این سهام برادر و خواهر] پس از وصیتی [است] که [درباره اموال] صورت گرفته و یا [پس از ادای] دینی [است که بر عهده میت است]، [همه این امور در حالی است که وصیت میت، به وارثان] زیان نرساند، [این احکام] سفارشی است از سوی خداوند، و خدا دانا و بردبار است (۱۲) این‌ها قوانین خداست، کسانی که از خدا و پیامبرش اطاعت کنند خداوند آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است وارد می‌کند، در آن جاودانه‌اند، و آن کامیابی بزرگ است (۱۳) و کسی که از خدا و پیامبرش سرپیچی کند و متجاوز از قوانین خداوند باشد، خداوند او را وارد آتش می‌کند درحالی‌که در آن جاودانه است، و برایش عذابی خوارکننده است (۱۴)

هرکدام از زنانتان مرتکب زنا شوند چهار مرد مؤمن را در مورد آنان شاهد بخواهید، اگر [به ارتکاب آن] شهادت دادند، آنان را در خانه‌ها زندان آبد کنید! تا مرگشان فرارسد یا خداوند برای [نیجات] آنان راهی [قانونی] قرار دهد(۱۵) از میان شما آن مرد و زنی که مرتکب زنا شوند هر یک را [با اجرای حدود خداوند] عقوبت کنید! چنانچه از کار زشتشان توبه کنند و [مفاسدشان را] اصلاح نمایند از [عقوبت] آنان گذشت کنید؛ زیرا خداوند همواره بسیار توبه پذیر و مهربان است(۱۶) پذیرش توبه در پیشگاه خداوند فقط برای کسانی است که کار زشتی را از روی نادانی انجام می‌دهند آن‌گاه بدون تأخیر توبه می‌کنند، مسلماً خداوند توبه آنان را می‌پذیرد؛ خداوند همواره دانا و حکیم است(۱۷) توبه برای دو گروه نیست: کسانی که پیوسته کارهای زشت انجام می‌دهند تا مرگ یکی از آنان فرارسد، [و در لحظه پایان عمر] بگویند: اکنون توبه کردم! و نیز آنان که در حال کفر می‌میرند، برای آنان عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم(۱۸) ای مؤمنان! برای شما ارت‌بردن از زنان درحالی که [زندگی با آنان] خوشایند شما نبود حلال نیست، و آنان را در تنگنا مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده‌اید پس بگیرید، مگر آن‌که کار زشت آشکاری مرتکب شوند، [در هر صورت] با آنان رفتاری پسندیده داشته باشید، چنانچه [به علتی] از آنان دچار نفرت [و نارضایتی] شدید [باز هم با آنان شایسته رفتار کنید]، چه بسا چیزی مورد خوشایند شما نیست ولی خداوند در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد(۱۹)

اگر خواستید همسری دیگر به جای همسری [که خوشایند شما نیست] انتخاب کنید، درحالی که مال فراوانی [به عنوان مهریه] به او پرداخته‌اید چیزی از آن را از او پس نگیرید! آیا آن را [در صورتی که حلال نیست] می‌خواهید با توسل به تهمت زدن [به همسر] و گناهی آشکار پس بگیرید؟! (۲۰) چگونه مهریه را پس می‌گیرید درحالی که با یکدیگر تماس [روحی و عاطفی و مباشرتی] داشتید، و آنان از شما [به هنگام ازدواج] پیمانی مُحکم [بر ادامه زندگی و حُسن سلوک] گرفته‌اند؟ (۲۱) با زنانی که پدرانتان با آنان ازدواج کرده‌اند ازدواج نکنید! مگر ازدواجی که پیش از این [نهی اکید] انجام گرفته باشد؛ زیرا ازدواج با زنان پدرانتان عملی بسیار زشت، و مورد خشم خدا و بد راهی است (۲۲) ازدواج با زنانی [که نام برده می‌شوند] بر شما حرام است: مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها؛ دخترانِ برادر، دخترانِ خواهر؛ مادرانی که شما را شیر داده‌اند؛ خواهرانِ رضاعی؛ مادرانِ همسران، و دخترانِ زنانان که در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن زنان آمیزش داشته‌اید، و اگر آمیزشی در کار نبوده [در ازدواج با دخترانشان] بر شما باکی نیست؛ و نیز ازدواج با همسرانِ پسرانتان که از نسل شمایند؛ و همچنین ازدواج با دو خواهر در یک زمان [بر شما حرام است]، جز ازدواج با دو خواهری که پیش از [اعلام] این [نهی اکید] صورت گرفته است؛ [این آسان‌گیری برای این است که] خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۳)

و نیز [ازدواج با] زنان شوهردار [از هر ملت و قومی، بر شما حرام است]، مگر زنانی [غیر مسلمان] که [به سبب جنگ با شوهران کافرشان از طریق اسیرشدنشان] مالک آنان شده‌اید، [این] قانون خداوند است که بر شما مقرر شده [؛ زیرا اسارت، بر اساس حکم حق به منزله طلاق است]. به جز این زنان [که حرمت ازدواج با آنان بیان شد]، دیگر زنان با پرداختن بخشی از اموالتان [به عنوان مهریه و هزینه‌هایی غیر آن] بر شما حلالند، در صورتی که قصدتان ازدواج با آنان باشد نه زنا. از هر یک از زنان که با ازدواج موقت برخوردار شوید مهریه‌اش را به عنوان واجب مالی بپردازید! و در آنچه پس از تعیین مهریه [از هر نوع تغییر] با یکدیگر توافق کردید باکی بر شما نیست؛ [وضع احکام آسان، برای این است که] خداوند همواره دانا و حکیم است (۲۴) از شما کسی که به سبب تنگدستی نتواند با زنان آزاد باایمان ازدواج کند پس با کنیزان جوان مؤمنی که در اختیار شما مسلمانانند [پیمان ازدواج ببندد]، خداوند به ایمان شما [در این که ظاهری یا باطنی است] داناتر است، شخص آزاد و کنیز اعضای یک پیکرند، [لذا در هویت انسانی یکسانند]، با کنیزان با اجازه مالکانشان ازدواج کنید و مهریه آنان را به طور متعارف به خودشان بپردازید! [مشروعیت این ازدواج مشروط به این است که] قصد کنیزان ازدواج باشد نه زنا، و نه گرفتن معشوق [نا مشروع] در پنهان. چنانچه کنیزان پس از ازدواج مرتکب زنا شوند نصف مجازات زنان آزاده بر آنان است. این [ازدواج با کنیز] برای کسی از شما [مناسب] است که بترسد [در برابر غریزه جنسی] به مشقت [و نهایتاً به گناه] دچار شود، البته استقامت شما [در برابر فشار غریزه جنسی] برای شما بهتر است، و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۲۵) خداوند اراده دارد [احکام حلال و حرامش را] برایتان توضیح دهد، و شما را به روش‌های [درست] پیشینیان راهنمایی کند، و رحمت و آمرزشش را به شما ارزانی دارد، خداوند دانا و حکیم است (۲۶)

و خداوند می‌خواهد [به سبب ایمان و درست‌کاریتان،] با رحمت و مغفرتش به شما توجه کند، و آنان که پیرو خواسته‌های نامشروع‌اند می‌خواهند شما [در مسائل جنسی و ترک احکام خدا] به انحراف بزرگی دچار شوید (۲۷) خداوند می‌خواهد [با تشریح قوانین، بار مشکلات را] بر شما آسان کند؛ زیرا انسان، ناتوان آفریده شده است (۲۸) ای مؤمنان! اموال یکدیگر را بین خود به حرام تصرف نکنید! مگر از راه تجارتی که با رضایتی [مشروع] میان خودتان صورت گرفته باشد، و خودکشی نکنید! مسلماً خداوند همواره به شما مهربان است (۲۹) هرکس با تجاوز [از قوانین خدا] و بر پایه ستم مرتکب به دست آوردن مال حرام و خودکشی شود قطعاً او را در آتشی سوزان وارد می‌کنیم، و این کار بر خدا آسان است (۳۰) اگر از گناهان کبیره‌ای که از آن‌ها نهی می‌شود اجتناب کنید بدی‌های [دیگر] شما را از پرونده شما محو کرده، و به جایگاه ارزشمندی واردتان می‌کنیم (۳۱) ثروتی که خداوند به سبب آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده آرزو نکنید [تفاوت در دارایی‌ها بر پایه محاسبات حکیمانه است]. برای مردان از آنچه [به وسیله کسب مشروع] به دست آورده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [هم] از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است، فزون‌بخشی خداوند را [از راه کسب حلال] درخواست کنید؛ چون خداوند همواره به همه چیز داناست (۳۲) برای هرکسی از اموالی که [برای بعد از خود] به جای گذاشته و وارثانی قرار داده‌ایم که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند، و به کسانی که با آنان پیمان [شرعی و عرفی] بسته‌اید سهمشان را [از میراث] بپردازید! قطعاً خداوند همواره بر همه چیز شاهد است (۳۳)

مردان، کارگزاران و تدبیرکنندگان [زندگی] زنان هستند؛ این به سبب برتری‌هایی است که خداوند [از نظر توان جسمی و تحمل مشکلات] برای مردان نسبت به زنان قرار داده، و نیز به سبب آن است که مردان از اموالشان [هزینه زندگی زنان را] می‌پردازند، پس زنان شایسته [با رعایت جهات شرعی] فرمانبردار شوهرند، و در برابر حقوقی که خداوند [به نفع آنان بر عهده شوهرشان] نهاده، حافظ [حقوق و] آسرار [و اموال شوهر و پاکدامنی خود در غیاب او] هستند. و آن زنانی که از سرکشی و مخالفتشان، دچار بیم هستید [در مرحله اول] پندشان دهید، و [در مرحله بعد] از خوابگاهشان دوری کنید، و [چنانچه این دو کار مؤثر واقع نشد] آنان را تنبیه کنید [به گونه‌ای که سبب دیه نشود]، ولی اگر از شما اطاعت کردند برای در مصیقه قراردادن آنان هیچ بهانه‌ای مجوید! بدانید خداوند بلندمرتبه و بزرگ است (۳۴) [شما ای بزرگان خانواده و حاکمان شرع!] اگر از اختلاف و ناسازگاری زن و شوهر بیم داشتید داوری از خانواده مرد، و داوری از خانواده زن انتخاب کنید [تا برای رفع اختلاف اقدام کنند]، چنانچه دو داور نیت اصلاح داشته باشند خداوند میان هر دو توافق [در رأی] ایجاد می‌کند یقیناً خداوند همواره [به نیت و اعمال شما] دانا و آگاه است (۳۵) خداوند را پرستید و چیزی را شریک و همتای او قرار ندهید، و به اینان [که برای شما بیان می‌کنیم] نیکی کنید: پدر و مادر، خویشاوندان، یتیمان، نیازمندان، همسایه نزدیک، همسایه دور، هم‌نشینان، درراه‌مانده بی‌زادوتوشه و بردگانی که مالک آنان هستید، بی‌تردید خداوند کسی را که متکبر و خودستاست دوست ندارد (۳۶) آنان که [از هزینه کردن اموالشان] بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن دعوت می‌کنند، و آنچه را خداوند از فزون‌بخشی خود به آنان داده پنهان می‌کنند [تا نیازمندان به‌سویشان نیایند، کافرند]، و ما برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم (۳۷)

و آنان که اموالشان را برای خودنمایی به مردم انفاق می‌کنند و به خداوند و روز قیامت ایمان ندارند [شیطان همدم آنان است]، و هرکس شیطان همدم اوست بی‌تردید بد همدمی است! (۳۸) به آنان چه زیانی می‌رسد اگر به خداوند و روز قیامت مؤمن می‌شدند و از آنچه خداوند به آنان عطا کرده انفاق می‌کردند؟ خداوند همواره دانای به [ظاهر و باطن] آنان است (۳۹) مسلماً خداوند به اندازه وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند، چنانچه کار نیکی [هموزن ذره‌ای] باشد آن را چند برابر می‌سازد، و از نزد خود پاداش بزرگی در برابر آن می‌دهد (۴۰) چگونه است [حال و وضع مردم] هنگامی که از هر امتی گواهی بیاوریم، و تو را نیز گواه بر آنان آوریم؟ (۴۱) در آن روز کسانی که منکر [حقایق] بودند و از پیامبر نافرمانی کردند آرزو می‌کنند [ای کاش] با زمین یکسان می‌شدند! و نمی‌توانند هیچ سخنی را [که در دنیا بر ضد حقایق می‌گفتند] از خداوند پنهان کنند (۴۲) ای مؤمنان! در حالی که [به سبب مستی] هشیاری کامل ندارید به [اقامه] نماز نزدیک نشوید تا [پس از هشیاری] بدانید [در محضر حق] چه می‌گویید. و نه در حال جنابت [مگر آنکه رهگذر باشید] تا غسل کنید، و اگر بیمار باشید یا مسافر، یا فردی از شما قضای حاجت کرده، یا با زنان آمیزش داشته‌اید و [برای وضو و غسل] آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید؛ [بدین صورت که] بخشی از صورت و دست‌هایتان را [با آن] مسح کنید؛ مسلماً خداوند همواره گذشت‌کننده و بسیار آمرزنده است (۴۳) آیا وضع و حال کسانی که بهره‌ای اندک از کتاب [تورات و انجیل] به آنان عطا شد ندانسته‌ای؟ که [با پنهان کردن حقایق کتاب] گمراهی می‌خرند، و [به سبب حسادت و دشمنی] می‌خواهند شما [هم] از راه [مستقیم] گمراه شوید (۴۴)



و خداوند به دشمنان شما [که خود را خیرخواه نشان می‌دهند] آگاه‌تر [از شما] است، خداوند از جهت سرپرستی و ولایت [برای شما] بس است، و از نظر یاوربودن [برای شما] کافی است (۴۵) برخی از یهودیان، حقایق [کتاب آسمانی تورات] را [با تفسیرهای نادرست] از معانی [اصولی] اش تغییر می‌دهند، و [به پیامبر] می‌گویند: [دعوت را] شنیدیم، ولی [در باطن می‌گویند]: [نافرمانی می‌کنیم. و خطاب می‌کنند: سخن ما را] بشنو، که [ای کاش] نشنوی! و [می‌گویند]: «راعنا». [یعنی: ما را رعایت کن. اما با پیچ‌وخم دادن زبان [توهین به پیامبر] و طعنه زدن به دین را قصد می‌کنند و طعنه‌زدن به دین [تغییر دهند]، اگر اینان [به جای این بازی‌گری] می‌گفتند: [دعوت را] شنیدیم و پایبند به اطاعت شدیم. برای آنان بهتر و [کساری] استوارتر بود، ولی خداوند به سبب کفرشان لعنتشان کرده، و جز عده‌ای اندک مؤمن نمی‌شوند (۴۶) ای اهل کتاب! به آنچه [بر پیامبر] نازل کرده‌ایم که گواهی‌دهنده [کتاب] همراه شماست ایمان آورید، پیش از آن‌که چهره‌هایی را [از صورت واقعی انسانی] محو کنیم، و [به کیفر تکبر در برابر حقایق] به [تاریکی باطن و گمراهی غیر قابل جبران] گذشته آنها بازگردانیم، یا چنان‌که اصحاب سبت [روز شنبه] را لعنت کردیم لعنتشان کنیم؛ فرمان خداوند همواره شدنی است (۴۷) خداوند [معبود گرفتن غیر او را که] شرک‌ورزی به حضرت او [است] را نمی‌آمزد، و غیر آن را برای هرکس که بخواهد می‌آمزد؛ هرکس به خداوند شرک ورزد یقیناً گناه بزرگی مرتکب شده است (۴۸) آیا وضع و حال کسانی که خود را [بدون دلیل] می‌ستایند ندانسته‌ای؟ [این خودستایی فاقد ارزش است]، بلکه خداوند است که هرکس را بخواهد [بر اساس ملاک‌های اسلامی] می‌ستاید، و [آنان] به اندازه رشتۀ نازک میان هسته خرما مورد ستم قرار نخواهند گرفت (۴۹) بنگر که [این خودستایان] چگونه بر خدا دروغ می‌بندند، و همین گناه آشکار [برای استحقاق عذاب آنان در دنیا و آخرت] کافی است (۵۰) آیا درباره کسانی که بهره‌ای اندک از [دانش] کتاب [آسمانی] به آنان داده شده تامل و اندیشه نکردی که به هر معبود باطلی و هر طاغوتی ایمان می‌آورند و در مورد کافران می‌گویند: اینان از کسانی که مؤمن [به قرآن و پیامبر] شده‌اند راه‌یافته‌ترند؟! (۵۱)

اینان کسانی هستند که خداوند لعنتشان کرده، و هرکه را خداوند لعنت کند هرگز برای او یآوری نخواهی یافت (۵۲) آیا ایشان را بهره‌ای از فرمانروایی و حکومت است [تا چیزی به مردم دهند]؟ اگر هم بهره‌ای بود چیزی به اندازه گودی پشت هسته خرما به مردم نمی‌دادند (۵۳) بلکه آنان به مردمی [چون پیامبر و اهل بیت او]، به علت آنچه خداوند از فضل و احسانش به آنان عطا کرده حسد می‌ورزند. همانا ما به خاندان ابراهیم کتاب و معارف استوار و سودمند دادیم، و به آنان فرمانروایی و حکومت با عظمتی عنایت کردیم (۵۴) پس برخی از اهل کتاب به او [محمد صلی الله علیه و آله] که از خاندان ابراهیم است [ایمان آوردند، و بعضی [با آگاهی به نبوت وی از او روی گرداندند، دوزخ که آتشی برافروخته و سوزان است [برای آنان] بس است (۵۵) به زودی کسانی را که به آیات ما کافر شدند به آتشی [سوزان] وارد می‌کنیم، هرگاه پوستشان [در آن آتش] بریان شود پوست‌های دیگری جایگزین آن می‌کنیم تا همواره عذاب را بچشند؛ قطعاً خداوند توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۵۶) و به زودی مؤمنانی را که دارای عمل شایسته‌اند در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است درآوریم درحالی‌که در آن‌جا همواره جاودانه‌اند، در آن [جایگاه با ارزش] همسرانی پاکیزه و بی‌ژنده آنان است، و ایشان را در زیر سایه‌های پایدار [و آرام‌بخش] وارد می‌کنیم (۵۷) خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش برگردانید، و چون میان مردم به داوری نشستید به عدالت داوری کنید! [این حقایق] نیکو چیزی است که خداوند شما را به آن موعظه می‌کند، همانا خداوند همواره شنوا و داناست (۵۸) ای مؤمنان! از خداوند اطاعت کنید، و نیز از پیامبر و صاحبان امرتان [که اوصیای به‌حق پیامبرند و مثل او دارای مقام عصمتند] فرمان ببرید! پس هرگاه درباره چیزی [از مسائل] اختلاف داشتید، اگر به خداوند و قیامت مؤمن هستید [برای خاتمه‌یافتن اختلاف] آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید! این [کار] برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است (۵۹)

آیا وضع و حال کسانی که ادعا دارند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده مؤمن هستند ندانسته‌ای که می‌خواهند [در مورد اختلافشان] داوری را نزد طاغوت [یعنی هر حاکم ضد خدا] برند؟ در حالی که فرمان یافته‌اند به طاغوت کافر باشند، و شیطان [با سوق دادنشان به سوی طاغوت] می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری [که از دسترسی به هدایت محروم شوند] دچار کند (۶۰) چون به آنان گویند: [از آگاه شدن حقایق الهی] به سوی آنچه خداوند نازل کرده، و به محضر پیامبر [اسلام] بیایید. منافقان را می‌بینی که به شدت از تو رویگردان می‌شوند (۶۱) پس وضع و حالشان چگونه خواهد بود هنگامی که به سبب عمل زشت رفت‌وآمدشان با طاغوت حادثه ناگواری به آنان برسد؟ سپس در حالی که به خداوند سوگند می‌خورند به محضرت می‌آیند که ما [از داوری بردن نزد غیر تو] نیتی جز صلح و توافق [میان طرفین اختلاف] نداشته‌ایم (۶۲) آنان کسانی هستند که خداوند آنچه [از نیت شوم] در دل دارند می‌داند، [با این وضعی که دارند اکنون] از مجازاتشان چشم‌پوش و پندشان ده، و با بیانی رسا که در دلشان اثر کند [عواقب کار بدشان را] برای آنان بیان کن (۶۳) هیچ پیامبری را نفرستادیم جز آن‌که به خواست خداوند از او اطاعت شود، اگر آنان هنگامی که [با ارتکاب گناه] به خود ستم کردند نزد تو می‌آمدند و از خداوند درخواست آمرزش می‌کردند، و پیامبر هم برای آنان خواستار آمرزش می‌شد مسلماً خداوند را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند (۶۴) به پروردگارت سوگند! آنان مؤمن [واقعی] نخواهند بود مگر آن‌که تو را در آنچه میان خود اختلاف دارند به داوری بپذیرند، سپس از داوری‌ات در باطنشان هیچ مضیقه و فشاری احساس نکنند و [کاملاً] تسلیم [حکم تو] باشند (۶۵)

اگر بر آنان [مانند برخی گذشتگان] واجب می‌کردیم که [به کفاره گناهانتان] یکدیگر را بکشید، یا از شهر و وطنتان [به نقطه‌ای دوردست] کوچ کنید. فقط اندکی از آنان آن کارها را انجام می‌دادند، اگر به اندرزهایی که به آنان داده می‌شود عمل می‌کردند قطعاً برای آنان بهتر، و در جهت تثبیت [ایمان و ثابت‌قدمی] مؤثرتر بود (۶۶) ما نیز در آن صورت پاداش بزرگی از سوی خود به آنان می‌بخشیدیم (۶۷) و یقیناً به راه راست هدایتشان می‌کردیم (۶۸) آنان که [صادقانه] از خدا و پیامبر اطاعت کنند در گروه پیامبران، و درستکاران بسیار راستگو و شهیدان و شایستگی می‌باشند که از نعمت‌های کامل حق برخوردارند، و [این چهار گروه] برای آنان نیکو همنشینانی هستند (۶۹) این [همنشینی]، احسانی از سوی خداست، و [در استحقاق این پاداش] کافی است که خدا [به نیات و اعمال مطیعان] داناست (۷۰) ای مؤمنان! [در برابر دشمن آماده باشید!] سلاح و سازوبرگ جنگی خود را برگرفته، گروه‌گروه یا به صورت دسته واحد [به سوی دشمن] کوچ کنید! (۷۱) از میان شما کسانی [چون منافقان] هستند که [از رفتن به جنگ] درنگ [و تخلف] دارند، اگر در میدان جنگ به شما [رزمندگان، شکست و] آسیبی برسد، می‌گویند: خدا به ما لطف داشت که با آنان [در میدان جنگ] حضور نداشتیم؟! (۷۲) و اگر پیروزی و غنیمتی از سوی خداوند نصیب شما شود، چنان‌که گویی میان آنان و شما هرگز دوستی و رفاقتی نبوده [آو سردی می‌کشند و] می‌گویند: ای کاش با آنان در جنگ حضور داشتیم، و در نهایت به پیروزی و غنیمتی بزرگ می‌رسیدیم؟! (۷۳) آنان که زندگی [زودگذر و فانی] دنیا را با آخرت [پر نعمت جاودانی] مبادله می‌کنند البته باید در راه خدا بجنگند، هرکه در راه خدا بجنگد و کشته شود یا [بر دشمن] پیروز گردد به زودی پاداش بزرگی به او عطا می‌کنیم (۷۴)

شما را چه شده که در راه خدا، و [برای رهایی] مردان و زنان و کودکانی که [به وسیله ستمکاران] به زنجیر استضعاف بسته شده‌اند [و راه چاره ندارند] نمی‌جنگید؟! آن مستضعفانی که همواره می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که اهلش ستمکارند خارج کن، و از سوی خود سرپرستی [نجات‌بخش] و یآوری [دلسوز] برای ما قرار ده! (۷۵) مؤمنان در راه خدا می‌جنگند، و کافران در راه طاغوت پیکار می‌کنند؛ بنابراین با یاران شیطان بجنگید! که یقیناً توطنه و نیرنگ شیطان بی‌پایه و سست است (۷۶) آیا ندانسته‌ای وضع و حال کسانی که [پیش از نزول حکم جهاد] به آنان گفته شد: دست [از جنگ] باز دارید، و [فعالاً در این موقعیت،] نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید و زکات پردازید [رنجیده‌خاطر شدند،] و چون جنگ بر آنان واجب گشت ناگهان گروهی از آنان مانند ترس از [عقوبت] خدا، یا ترسی سخت‌تر از آن، از دشمن ترسیدند و [معترضانه] گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟ و چرا ما را تا زمانی نزدیک مهلت ندادی [که به امورمان سر و سامان دهیم]؟ بگو: کالای دنیا اندک [و فانی] است، و آخرت برای آنان که خود را از محرمات خدا حفظ کردند بهتر است، و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند (۷۷) هرکجا باشید مرگ شما را درمی‌یابد؛ هرچند در قلعه‌های محکم و استوار باشید، اگر خیری [چون پیروزی و غنیمت] به آنان [که سست‌اراده و ترسو هستند] برسد می‌گویند: این از سوی خداست. و اگر حادثه‌ای [چون شکست و ناکامی] دچارشان گردد می‌گویند: این از ناحیه [سوء تدبیر و مدیریت] توست. بگو: همه [خوبی‌ها و آسیب‌ها] از ناحیه خداست این گروه را چه شده که نمی‌خواهند [معارف الهی و حقایق را] بفهمند؟! (۷۸) [ای انسان!] آنچه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از سوی خداست، و هرچه از آسیب‌ها دامنگیر تو می‌شود از ناحیه خود توست. [ای پیامبر!] و [از خوبی‌هایی که از سوی ماست این است که] تو را برای مردم به پیامبری فرستادیم، و شاهد بودن خدا [بر پیامبری تو] پس است (۷۹)

هرکه از پیامبر اطاعت کند در حقیقت از خداوند اطاعت کرده است، و هرکه [از پیامبر] روی برتابد [حسابِ کارش بر عهده ماست]، ما تو را بر آنان به عنوان مسئول [اعمالشان که به اجبار از نافرمانی حفظشان کنی] نفرستادیم (۸۰) آنان [در حضور تو] می‌گویند: [وظیفه ما] اطاعت [از توست]. ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند گروهی از آنان در شب‌نشینی‌ها [ی مخفیانه] بر خلاف آنچه تو [بر اساس وحی] می‌گویی اظهار نظر کرده و تدبیر می‌کنند، خداوند آنچه را در شب‌نشینی‌ها [ی مخفیانه] می‌گویند [در پرونده اعمالشان] می‌نویسد. از آنان روی برتاب و بر خداوند توکل کن! کارساز بودن خداوند [برای بندگان] بس است (۸۱) آیا در [معانی] قرآن اندیشه نمی‌کنند؟ چنانچه از سوی غیر خدا بود مسلماً اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند (۸۲) چون خبری از ایمنی و ترس [مانند پیروزی و شکست] به آنان [که مردمی نادان به حقایق اند] برسد، آن را [تحقیق نکرده در میان مردم] شایع می‌کنند، درحالی‌که اگر [پیش از شایع کردنش] آن را به پیامبر و اولیای امورشان [که صاحبان درایت و بینشند] ارجاع می‌دادند آنان [با دلایل استوار، درستی و نادرستی‌اش را می‌یافتند و] شما را به اصل موضوع آگاه می‌ساختند، چنانچه احسان و رحمت خداوند بر شما نبود جز عده اندکی همه از شیطان پیروی می‌کردید. (۸۳) [اکنون که بسیاری از مردم به دنبال شایعات بی‌اساس و دلهره‌آور، از رفتن به جنگ امتناع می‌کنند] خودت در راه خدا به جنگ برو! تو نسبت به خودت مکلف هستی، مؤمنان را نیز [به جنگ با دشمن] تشویق کن! امید است خداوند آسیب و گزند کافران را [از همه شما] باز دارد، خداوند قدرتش شدیدتر و عذابش سخت‌تر است (۸۴) هرکس [برای انجام گرفتن هرکار خیری] وساطتی نیکو کند بهره فراوانی از آن برایش خواهد بود، و هرکس [برای پدیدآوردن هر شرّی] وساطتی ناپسند به میان آورد سهمی از وزر و وبالش نصیب اوست، خداوند همواره نگهبان بر هر چیزی است (۸۵) هرگاه از سوی کسی سخن پسندیده‌ای [چون سلام یا عمل نیکی] به شما می‌رسد، نیکوتر از آن یا همانندش را برای او تلافی کنید، همواره خداوند محاسبه‌کننده همه چیز است (۸۶)

خدای یکتاست که هیچ معبودی جز او نیست، یقیناً همه شما را در روز قیامت که در [فرارسیدن] آن هیچ شکی نیست [برای محاسبه اعمال] جمع می کند، راستگوتر از خداوند از جهت گفتار کیست؟ (۸۷) شما را چه شده که در مورد منافقین دو گروه شده‌اید؛ گروهی طرفدار و دسته‌ای مخالف، [در صورتی که خداوند آنان را به کیفر اعمال [ناپسند]شان [در چاه گمراهی] نگویند]، آیا [شما طرفداران آنان] می خواهید کسانی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید؟! درحالی که [ای پیامبر!] خداوند هرکس را گمراه کند هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت (۸۸) آنان آرزو دارند همان گونه که خود کافرند شما هم کافر شوید تا [در کفر و ضلالت] با هم یکسان باشید؛ بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید، تا این که در راه خدا [برای پذیرفتن دین] هجرت کنند، اگر [از هجرت] روی گردانند [دلیل بر این است که بر کفر پایبندند]، پس آنان را هرکجا یافتید بگیرید و بکشید! و از آنان برای خود سرپرست و یاور نگیرید! (۸۹) مگر کسانی که به گروهی پیوندند که بین شما و ایشان پیمانی است، یا درحالی که سینه‌هایشان از جنگ با شما یا با قوم خود به تنگ آمده باشد نزد شما آیند، اگر خدا می‌خواست آنان را بر شما مسلط می‌کرد، در آن صورت با شما می‌جنگیدند، پس اگر از شما کناره گرفته، جنگ نکردند و پیشنهاد صلح و آشتی دادند [به آنان تجاوز نکنید! زیرا] خداوند برای تجاوز به آنان به شما اجازه نداده است (۹۰) به زودی گروهی دیگر را می‌یابید که می‌خواهند [با نیرنگ] از ناحیه شما و قوم خود در امان باشند، [اما به سبب خباثت باطنشان] هر بار به فتنه [و آشوب] دعوت می‌شوند با سر در آن می‌افتند، اگر از [جنگ با] شما کناره نگرفتند و پیشنهاد صلح ندادند و [بر ضد شما] دست [از فتنه و آشوب] برنداشتند هر جا آنان را یافتید بگیرید و به قتل برسانید! آنانند که ما برای شما در [گرفتن و کشتن] آنان دلیلی روشن قرار داده‌ایم (۹۱)

شایسته هیچ مؤمنی نیست که مؤمنی را به قتل برساند مگر [این که] از روی اشتباه [اتفاق بیفتد]؛ و کسی که مؤمنی را به اشتباه به قتل برساند باید برده مؤمنی را آزاد کند و خون‌بهایی به وارثان مقتول بپردازد، مگر آن که خون‌بها را ببخشند، اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شما نیست ولی خود مؤمن است فقط آزادکردن یک برده مؤمن [بر عهده قاتل است]، و اگر [مقتول مؤمن] از گروهی باشد که بین شما و آنان پیمانی برقرار است باید قاتل خون‌بهای مقتول را به وارثانش بپردازد علاوه بر آن یک برده مؤمن را آزاد کند، و کسی که [برده‌ای] نیافت باید دو ماه پیاپی روزه بگیرد، [این حکم به سبب پذیرش توبه قاتل] رحمتی از سوی خداست، و خداوند همواره دانا و حکیم است (۹۲) هرکس مؤمنی را عمداً به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود، و خدا او را مورد خشم و لعنت قرار داده و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است (۹۳) ای مؤمنان! زمانی که [برای نبرد با دشمن] در راه خدا سفر می‌کنید [در باره شناسخت مؤمن از کافر] تحقیق کامل کنید! و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند نگویید: تو مؤمن نیستی. [تا] برای به دست آوردن کالای اندک و ناپایدار زندگی دنیا [او را بکشید، اگر غنیمت می‌خواهید برای شما] نزد خداوند غنائم [جاوید] فراوانی است، ایمان شما هم پیش از این، زبانی و ظاهری بود، خداوند بر شما ممت نهاد [تا به ایمان قلبی و ثابت رسیدید]؛ بنابراین باید [در باره اشخاص] تحقیق کامل کنید [تا مرتکب خلافتی نشوید]، خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۹۴)



مؤمنانی که بدون بیماری جسمی [و بدون عذر دیگر] در خانه نشستند [و به جهاد نرفتند] با مجاهدانی که با اموال و جانشان در راه خدا جهاد کردند یکسان نیستند، خداوند جهادگران با مال و جان را به مرتبه‌ای مهم بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است، و هر یک از این دو گروه را [به تناسب ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده، و جهادکنندگان را بر خانه‌نشینان [بی‌عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است (۹۵) [آن پاداش بزرگ] رتبه‌هایی از سوی خدا [است] و [آنان را به] آمرزشی [ویژه] و رحمتی [خاص مورد توجه قرار می‌دهد]، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۶) مسلماً کسانی که [با ترک هجرت و ماندن زیر سلطه کافران] بر خود ستم کردند چون فرشتگان مشغول قبض روحشان شوند به آنان گویند: [از نظر زندگی و دینداری] در چه وضع و حالی بودید؟ می‌گویند: ما در زمین مستضعف [و فاقد قدرت] بودیم. [فرشتگان] می‌گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود تا در آن [از محیط کفر به دیار ایمان] مهاجرت کنید؟ اینان [که زیر بار کافران زیستند] جایگاهشان دوزخ است، و دوزخ عاقبت بدی است! (۹۷) مگر مردان و زنان و کودکان مستضعفی که [برای نجات خود از حکومت کافران] هیچ چاره‌ای ندارند و راهی [برای هجرت] نمی‌یابند (۹۸) امید است خداوند از آنان بگذرد، خداوند همواره گذشت‌کننده و بسیار آمرزنده است (۹۹) هر کس در راه خدا هجرت کند اقامتگاه‌های فراوان [با آرامشی]، و [نیز] فراخی [معیشت] خواهد یافت، و آن که از خانه‌اش به قصد هجرت به سوی خدا و پیامبرش بیرون رود سپس مرگ او را دریابد همانا پاداشش بر خداست، خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۰۰) هنگامی که در زمین سفر می‌کنید اگر بترسید از این که کافران آسیبی به شما وارد کنند بر شما باکی نیست که از نماز [های چهار رکعتی، دو رکعت] بکاهید؛ زیرا کافران همواره دشمنان آشکار شمایند [و از آسیب‌زدن به شما امتناع ندارند] (۱۰۱)

هنگامی که [در عرصه نبرد] در میان مؤمنان باشی و بخواهی برای آنان [به جماعت] اقامه نماز کنی، باید گروهی از رزمندگان درحالی که لازم است به اسلحه‌های خود مسلح باشند همراه تو [به نماز] ایستند، چون سجده کردند [و رکعت دوم خود را بدون اتصال به جماعت به پایان بردند] باید [برای حفاظت از دیگر رزمندگان] پشت سرتان قرار بگیرند، و آن گروه دیگر که [به سبب مشغول بودن به حفاظت،] نماز نخوانده‌اند بیایند و با تو نماز بخوانند، آنان باید [در حال نماز] از هوشیاری و احتیاط [نسبت به دشمن] غافل نباشند، و به اسلحه‌های خود مسلح باشند؛ [چون] کافران دوست دارند شما از سلاح و سازویرگ جنگی خود غفلت ورزید تا بی‌محابا بر شما هجوم آورند، و اگر از باران در زحمت هستید یا بیماری دارید بر شما باکی نیست که سلاحتان را بر زمین گذارید، ولی باید هوشیاری و احتیاط خود را حفظ کنید، مسلماً خداوند برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است (۱۰۲) چون نماز را [در میدان جنگ] به پایان بردید خدا را در حال ایستاده، و نشسته و خوابیده قلباً یاد کرده، چون [از ناحیه دشمن] اطمینان یافتید [که هجومی در کار نیست] نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید! زیرا نماز همواره در اوقاتی معین و وظیفه‌ای واجب بر عهده مؤمنان است (۱۰۳) در تعقیب دشمن سستی نکنید! اگر شما [در جنگ با دشمن] به درد و رنج دچار می‌شوید آنان نیز چون شما گرفتار درد و رنج شوند، و شما چیزی را [چون پیروزی و پاداش] از خداوند امید دارید که آنان این امید را ندارند، خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۰۴) همانا این کتاب را بر اساس درستی و راستی بر تو نازل کردیم تا بین مردم به آنچه خداوند به تو آموخته داوری کنی، و [داوری خود] حمایتگرِ خائنان مباش! (۱۰۵)

از خداوند آموزش بخواه؛ زیرا خداوند همواره بسیار آموزنده و مهربان است (۱۰۶) از آنان که خانن به خود هستند دفاع مکن؛ زیرا خداوند خیانت‌کننده گناه‌کار را دوست ندارد (۱۰۷) [خائنان خیانت خود را] از مردم پنهان می‌کنند درحالی‌که نمی‌توانند از خدا پنهان‌بدارند، و هنگامی که در جلسه پنهان‌شبان، [نقشه‌های خائنانه طرح می‌کردند، و] مطالبی که خدا به آن رضایت نداشت می‌گفتند خدا با آنان بود، خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهند احاطه [کامل] دارد (۱۰۸) [بدانید] این شما [عشیره خائنان] هستید که در زندگی دنیا از آنان دفاع کردید، پس چه کسی است که بتواند در قیامت از آنان در برابر خداوند دفاع کند؟ یا چه کسی است که [برای نجاتشان از دوزخ] کارسازشان باشد؟ (۱۰۹) هرکس کار زیان‌باری [بر ضد کسی] انجام دهد یا [با عمل خلافی] بر خود ستم کند، سپس [با توبه واقعی] از خدا آموزش بخواهد خدا را بسیار آموزنده و مهربان خواهد یافت (۱۱۰) هرکس مرتکب گناهی شود فقط به زیان خود مرتکب می‌شود، خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۱۱) هرکس مرتکب خطا یا گناهی شود سپس آن را به پاکدامن بی‌گناهی نسبت دهد یقیناً دروغی بزرگ و گناهی آشکار بر عهده گرفته است (۱۱۲) اگر احسان و رحمت خدا بر تو نبود گروهی از عشیره خائنان تصمیم داشتند تو را [از داوری عادلانه] منحرف کنند، [این سبک‌مغزان خیال‌باف] جز خودشان را منحرف نمی‌کنند و هیچ‌زیانی به تو نمی‌رسانند، خداوند کتاب و معارف استوار و سودمند را بر تو نازل کرده، و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت، و همواره احسان خداوند بر تو بزرگ است (۱۱۳)

در بسیاری از رازگویی‌های آنان خیری نیست، جز کسی که [از طریق رازگویی] به صدقه یا کار نیک یا اصلاح بین مردم فرمان دهد، و هرکه برای طلب خشنودی خداوند چنین کند به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد (۱۱۴) و هرکس بعد از آن که راه هدایت برایش روشن شد با پیامبر مخالفت کند و راهی جز راه مؤمنان را پیش گیرد، او را به همان سویی که روی آورده واگذاریم و به دوزخ درآوریم، و دوزخ عاقبت بدی است! (۱۱۵) یقیناً خداوند، [معبودگرفتن غیر خودش را] شرک‌ورزی به او [است] نمی‌آمرزد، و غیر آن را برای هرکه بخواهد می‌آمرزد، و هرکه به خداوند شرک ورزد قطعاً به گمراهی بسیار دوری [که از دسترسی به هدایت محروم شوند] دچار شده است (۱۱۶) [مشرکان] به جای خدا جز موجوداتی بی اثر را نمی‌پرستند، و جز شیطان سرکش گمراه را عبادت نمی‌کنند (۱۱۷) خداوند شیطان را از رحمتش دور کرده، و [او] اعلام کرده؛ سوگند می‌خورم که از میان بندگانت سهمی معین [برای پیروی از فرهنگ گمراه‌کننده‌ام] انتخاب خواهیم کرد (۱۱۸) مسلماً آنان را گمراه می‌کنم، و دچار آرزوهای واهی و پوچ خواهیم ساخت، و وادارشان می‌کنم [مسئله خرافی] شکاف‌دادن گوش چهارپایان را [به نشانه حرمت بهره‌گیری از آنها] انجام دهند، و فرمانشان می‌دهم آفرینش خدایی را تغییر دهند، [چون جنسیت مرد را به زن، و زن را به مرد و بدنشان را به شکل‌های دیگر،] هرکس غیر از خدا شیطان را سرپرست و یار خود بگیرد مسلماً به زیان آشکاری دچار شده است (۱۱۹) شیطان به پیروانش وعده [دروغ] می‌دهد، و در آرزوهای [سراب‌وار] می‌اندازد، و جز وعده فریبنده به آنان نمی‌دهد (۱۲۰) پیروان شیطان جایگاهشان دوزخ است و از آن هیچ راه‌گریزی نیابند (۱۲۱)

مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند یقیناً در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آنان نهرها جاری است وارد می‌کنیم، در آن همواره جاودانه‌اند، وعده خداوند [در باره بهشت و دوزخ] حتمی و تخلف‌ناپذیر است، راستگوتر از خدا از نظر گفتار کیست؟ (۱۲۲) [پاداش و کیفر] نه بر وفق آرزوهای [بی‌دلیل برخی از] شما [مسلمانان] است، و نه بر وفق آرزوهای [واهی] یهود و نصاری، هرکس مرتکب کار زشتی شود به آن کیفر داده می‌شود، و غیر از خداوند سرپرست و یاورى نخواهد یافت (۱۲۳) کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهند، در صورتی که مؤمن باشند وارد بهشت می‌شوند، و به اندازه فرورفتگی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند (۱۲۴) دین چه کسی بهتر است از انسانی که همه وجودش را تسلیم خدا کرده، خوبی‌ها را انجام می‌دهد و پیر و آیین ابراهیم یکتاپرست است؟ خداوند ابراهیم را [به سبب یکتاپرستی] به عنوان دوست خود انتخاب کرده است (۱۲۵) آنچه در آسمان‌ها و در زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، خداوند همواره بر هر چیزی احاطه دارد (۱۲۶) درباره [حقوق] زنان از تو فتوا می‌خواهند، بگو: فقط خداوند درباره آنان [مطابق احکامی که در اوایل همین سوره گذشت] و درباره زنان یتیمی که حقوق مقرر آنان را نمی‌پردازد و [به نیت خوردن اموالشان] تمایل به ازدواج با آنان دارید، و [نیز درباره] کودکان مستضعف [به شما فتوا می‌دهد]، خداوند به شما سفارش می‌کند که [با یتیمان به عدالت رفتار کنید، آنچه را [در باره زنان و زنان جوان یتیم و کودکان مستضعف] از هرگونه خیر و نیکی انجام می‌دهید مسلماً خداوند همواره به آن داناست (۱۲۷)

اگر زنی از ناسازگاری و بی‌محبتی شوهرش یا از روی برتافتن او [از حقوق همسررداری] بیمناک است، [بنای زندگی را متلاشی نکنند چون] بر آن دو باکی نیست که با یکدیگر از در صلح و آشتی درآیند، و [البته] صلح و آشتی بهتر است، و بخل در [طبیعت] نفوس [مردم عجیب] است؛ به این علت، هریک از دو زوج در سازش و ادای حق، بخل می‌ورزند، و اگر [شما شوهران] نیکی کنید و از سرکشی و ناسازگاری پرهیزید [از پاداش حق بهره‌مند می‌شوید]، مسلماً خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۲۸)

شما هرچند حریص [بر عدالت] باشید هرگز نمی‌توانید [از نظر محبت و میل قلبی] میان زن‌ها [یی که در عقد خود دارید] به عدالت رفتار کنید، پس شوق و رغبت خود را به‌طور کامل متوجه [یک طرف] نسازید تا دیگری را [به‌صورت زنی] سرگردان [و محروم از شوهر] رها کنید، اگر توافق و سازش به خرج دهید و [از ضد اخلاق] پرهیزید [مورد آمرزش قرار می‌گیرید]؛ زیرا خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۲۹) اگر [زن و شوهر راهی برای صلح و سازش نیافتند و] از یکدیگر جدا شوند خداوند هریک را از توانگری خود بی‌نیاز می‌کند، خداوند همواره بسیار عطاکننده و حکیم است (۱۳۰) آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، البته ما به کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی عطا کردیم و نیز به شما سفارش کردیم که [در همهٔ امورتان] خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و [هشدار دادیم که] اگر کفر ورزید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند همواره بی‌نیاز و ستوده است (۱۳۱) آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند برای کارسازی [همهٔ امور جهان هستی] بس است (۱۳۲) ای مردم! اگر خداوند بخواهد همهٔ شما را نابود می‌کند و گروه دیگری را [به جایان] می‌آورد؛ زیرا خداوند همواره بر این کار تواناست (۱۳۳) کسی که فقط غنیمت و پاداش دنیا را بخواهد [دچار کوتاهی بینی شده؛ زیرا] غنیمت و پاداش دنیا و آخرت [که نتیجه ایمان و عمل صالح است] نزد خداست، خداوند همواره شنوا و بیناست (۱۳۴)

ای مؤمنان! [در همه امور زندگی] قیام‌کننده به [اجرای] عدالت، و گواهی‌دهنده برای خدا باشید! هرچند به زیان خود یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد، اگر [یکی از دو طرف نزاع] توانگر یا نیازمند باشد [به سبب لحاظ کردن وضعشان، بر خلاف خدا گواهی ندهید! زیرا] خداوند به [حمایت از] آنان سزاوارتر است، پس [در هنگام گواهی‌دادن] از خواسته‌های نامشروع پیروی نکنید که [نهایتاً از حق] منحرف شوید! و اگر به انحراف روی‌آورید یا [از گواهی‌دادن] امتناع کنید مسلماً خداوند همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۱۳۵) ای مؤمنان! به خداوند و پیامبرش و کتابی که به رسولش نازل کرده، و به کتابی که پیش از این فرستاده، [از روی صدق و حقیقت] ایمان بیاورید! هرکس به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها [ی آسمانی] و پیامبران او و روز قیامت کافر شود مسلماً به گمراهی دوری [که از دسترسی به هدایت محروم می‌شود] دچار شده است (۱۳۶) کسانی که مؤمن شدند سپس کفر ورزیدند، باز مؤمن شدند و بار دیگر به کفر گراییدند، آن‌گاه بر کفر خود افزودند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد، و به راه [راست] هدایت کند (۱۳۷) منافقان را خبر ده که حتماً برای آنان عذابی دردناک است (۱۳۸) همان کسانی که کافران را برضد مؤمنان سرپرست و دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه قدرت فقط ویژه خداست (۱۳۹) همانا خداوند این حکم را در قرآن بر شما نازل کرده است که: چون با خبر شوید [گروهی] آیات خدا را مورد انکار و مسخره قرار می‌دهند با آنان ننشینید تا در سخنی دیگر درآیند، اگر بنشینید شما هم [در به دوش کشیدن بار انکار، و مسخره کردن آیات،] مانند آنان خواهید بود، یقیناً خداوند همه منافقان و کافران را در دوزخ جمع خواهد کرد (۱۴۰)

هم آنان که به انتظار حوادث تلخی برای شمایند، اگر از سوی خداوند پیروزی نصیب شما شود، می‌گویند: مگر ما با شما [در جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنائم بپردازید.] و اگر برای کافران بهره‌ای [اندرک از پیروزی] باشد [به آنان] می‌گویند: آیا ما [که در جبههٔ مسلمانان بودیم] بر شما تسلط نداشتیم؟ ولی شما را از [آسیب و زیان] مؤمنان باز داشتیم، [پس سهم ما را از غنیمت بدهید.] خداوند روز قیامت بین شما داوری می‌کند، و خداوند هرگز هیچ سلطه‌ای را به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است (۱۴۱) منافقان همواره به خدا نیرنگ می‌زنند درحالی که خداوند کیفردهنده نیرنگ آنان است، چون به نماز مشغول شوند با کسالت نماز می‌خوانند و در برابر مردم عبادتی ریاکارانه انجام می‌دهند، و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند (۱۴۲) درحالی که [این دورویان تبه‌کار] میان کفر و ایمان سرگردانند؛ نه با مؤمنانند و نه با کافران، هرکه را خدا [به کیفر نفاقش] در گمراهی بیندازد هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت (۱۴۳) ای مؤمنان! کافران را برضد مؤمنان [ثابت قدم] به سرپرستی و یاری خود انتخاب نکنید! آیا می‌خواهید [با این کار] در پیشگاه خداوند بر ضد خود [برای عذابتان در دنیا و آخرت] دلیلی آشکار قرار دهید؟ (۱۴۴) قطعاً منافقان در پایین‌ترین طبقه از آتش دوزخند، و هرگز برای [نجات] آنان یاوری نخواهی یافت (۱۴۵) جز کسانی که [از گناه بزرگ نفاق] توبه نموده و [مفاسد ظاهری و باطنی خود را] اصلاح کردند، و به خداوند تمسک جستند و عبادتشان را برای خدا خالص کردند، پس [با این شرایط] در زمرهٔ مؤمنانند؛ خداوند به‌زودی به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد (۱۴۶) اگر سپاس‌گزار [نعمت‌های بی‌شمار حق] باشید و صادقانه ایمان بیاورید خدا را با عذاب شما چه کار؟ خداوند همواره پاداش‌دهنده و داناست (۱۴۷)



خداوند افشای بدی [های مردم] را دوست ندارد مگر [برای] کسی که مورد ستم قرار گرفته؛ خداوند شنوایی ناله ستم‌دیده [و دانا]ی به وضع ستمکار [است] (۱۴۸) اگر کار خیری را آشکارا انجام دهید یا آن را پنهان دارید، یا از بدی [دیگران در حق خودتان] گذشت کنید [کاری نیک کرده‌اید؛] مسلماً خداوند همواره گذشت‌کننده و تواناست (۱۴۹) بی‌تردید کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند و می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش [به این‌که برخی فرستاده خدا نیستند] جدایی اندازند، و می‌گویند: به بعضی ایمان می‌آوریم و منکر برخی دیگر می‌شویم، و می‌خواهند [میان کفر و ایمان] راه [سومی] انتخاب کنند [بسیار ابله‌اند] (۱۵۰) اینان کافر واقعی‌اند، ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم (۱۵۱) آنان‌که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ‌یک از آنان جدایی نینداختند خداوند پاداششان را عطا می‌کند؛ خداوند همواره بسیار آمرزنده و مهربان است (۱۵۲) یهودیان از تو می‌خواهند [غیر قرآن] از آسمان [علم خداوند] کتابی برای آنان نازل کنی، [این بازیگران زشت‌باطن] بزرگ‌تر از آن را از موسی خواستند، [خواستۀ آنان این بود] که گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده. پس به کیفر ستمشان صاعقه آنان را فراگرفت، سپس بعد از آن‌که [بر ضرورت پرستش معبود یگانه] دلایل روشن برای آنان آمد گوساله را [به عنوان معبود] انتخاب کردند، و ما از این [گناه زشت بعد از توبۀ آنان] درگذشتیم، و به موسی معجزات و دلایل آشکار دادیم (۱۵۳) و کوه طور را به خاطر پیمان استوارشان [برای پذیرفتن نبوت موسی و عمل به تورات] بر فرازشان برافراشتیم، و به آنان گفتیم: با فروتنی از دروازه شهر درآید، و نیز اعلام کردیم: روز شنبه [از حکم حُرمت صید ماهی] تجاوز نکنید، و از آنان [برای اجرای این حکم] پیمانی محکم گرفتیم (۱۵۴)

پس به کیفر پیمان شکنی آنان و کفرورزی شان به آیات خدا، و ظالمانه کشتن انبیا، و گفتار [بی پایه باطل] آنان [مبنی بر این] که دل هایمان در پوشش است [و بدین جهت کلام حق را نمی فهمیم، از رحمت خود دورشان کردیم]، بلکه خداوند [به سبب کفرشان] بر دل هایشان مُهرِ [محرومیت از فهم حقایق] زد، به این خاطر جز اندکی مؤمن نمی شوند (۱۵۵) و [نیز] به علت انکارشان [نسبت به نبوت عیسی]، و گفتارشان درباره مریم [پاکدامن و وارسته] که دروغی بزرگ بود [مستحق عذابشان ساختیم] (۱۵۶) و به سبب این گفتار [سراسر دروغ]شان که گفتند: ما عیسی بن مریم فرستاده خدا را کشتیم. [به خواری دنیا و آتش دوزخ محکومشان کردیم]، در صورتی که او را نکشتند و به صلیب نیاویختند، بلکه [شخص دیگری به جای عیسی] بر آنان مشتهب شد، [و به صلیب کشیدند]، و آنان که درباره وضع او دچار اختلاف شدند در مورد وی در تردیدند، و جز پیروی از گمان واهی هیچ آگاهی به [سرگذشت] عیسی ندارند؛ و یقیناً او را نکشتند (۱۵۷) بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد، خداوند همواره توانای شکست ناپذیر و حکیم است (۱۵۸) از اهل کتاب احدی نیست مگر آن که پیش از مرگش به عیسی ایمان می آورد و حال آن که ایمان در آن لحظه سودبخش نیست]، و [عیسی] در قیامت بر [باطل بودن عقاید و اعمال] آنان شاهد است (۱۵۹) پس به کیفر ستمی که یهودیان [به حقایق الهیه] روا داشتند، و به سزای آن که بسیاری [از مردم] را از [سلوک در] راه خدا مانع شدند چیزهای پاکیزه دلپذیری [مانند شیر، پیه حیوانات، چربی و صید ماهی در روز شنبه] را که برای آنان حلال بود حرام کردیم (۱۶۰) و [نیز به سبب] رباگرفتنشان که [مؤکداً] از آن نهی شده بودند، و خوردن اموال مردم از راه نامشروع، [حلال های خدا بر آنان حرام شد] و ما برای کافران از آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم (۱۶۱) ولی در بین آنان ثابت قدمان در دانش [که از برکت دانششان تسلیم حق شدند]، و مؤمنانی که به آنچه بر تو و آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، به ویژه بر یادارندگان نماز، و پرداخت کنندگان زکات، و ایمان آورندگان به خدا و قیامت، همه و همه [جمعی هستند که] به زودی پاداش بزرگی عطایشان خواهیم کرد (۱۶۲)

ما به سوی تو وحی فرستادیم همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم، و [نیز] به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگانشان [که دارای مقام نبوتند]، و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کردیم، و به داود «زبور» بخشیدیم (۱۶۳) و [به] پیامبرانی [وحی فرستادیم] که سرگذشتشان را پیش از این برایت گفتیم، و [نیز به] پیامبرانی [وحی کردیم] که داستانشان را برایت حکایت نکردیم، و خداوند بی واسطه و به صورتی ویژه با موسی سخن گفت (۱۶۴) پیامبرانی که مؤده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا برای مردم [چه در دنیا و چه آخرت] در پیشگاه خداوند پس از فرستادن پیامبران، حجت و عذری [برای کافر بودنشان] نباشد؛ خداوند همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۱۶۵) [معاندان اهل کتاب نزول وحی را بر تو قبول ندارند] ولی خداوند به [حقانیت] آنچه بر تو به علم و دانشش نازل کرده گواهی می‌دهد، و فرشتگان [هم] گواه [نزول وحی بر تو] هستند؛ گرچه گواهی خداوند بس است (۱۶۶) آنان که آلوده به کفرند و [مردم را] از [قرار گرفتن در] راه خدا بازداشتند مسلماً به گمراهی دوری [محروریت از دسترسی به هدایت] افتاده‌اند (۱۶۷) بی تردید آنان که کفر ورزیدند و [به حقایق و به مردم] ستم کردند، خداوند بر آن نیست که آنان را بیامرزد، و به راهی [که ضامن خیر دنیا و آخرت است] هدایتشان کند (۱۶۸) مگر به راه دوزخ، درحالی که در آن همواره جاودانه‌اند این [کار] بر خدا آسان است (۱۶۹) ای مردم! همانا پیامبری از سوی پروردگارتان به درستی و راستی به‌سویتان آمد، پس به او مؤمن شوید که به خیر شماست، و اگر کافر شوید [و نبوتش را انکار کنید بدانید خدا از شما و ایمانتان بی‌نیاز است؛ زیرا] آنچه در آسمان‌ها و زمین است در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست، و خداوند همواره دانا و حکیم است (۱۷۰)

ای اهل کتاب! در دینتان غلو [و گزافه‌گویی] نداشته باشید، و درباره‌ی خداوند جز به راستی و درستی سخن مگویید! [حقیقت] جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده‌ی خدا، و کلمه [یعنی مخلوق] اوست که او را به مریم القا کرد، و [این عبد صالح،] روحی از سوی خداوند است، پس به خدا و پیامبرانش ایمان آورید، و نگویید خدا [ترکیبی از] سه [عنصر «آب» و «این» و «روح القدس»] است! [از این عقیده باطل] بازایستید که به خیر [دنیا و آخرت] شماست، جز این نیست که خداوند معبود یکتاست، [و در وجودش ترکیبی وجود ندارد،] از این که دارای فرزندی باشد پاک و منزّه است، آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط مملوک اوست، خداوند از نظر کارسازی [و تدبیر همه‌ی امور هستی] بس است (۱۷۱) مسیح و فرشتگان مقرب از این که بنده و پرستنده‌ی خدا باشند هرگز امتناع ندارند، آنان که رویگردان از بندگی خدایند، و [در برابر پروردگار] متکبرند قطعاً خدا همه‌ی آنان را [برای حسابرسی] به سوی خود جمع خواهد کرد (۱۷۲) اما آنان که مؤمن شدند و کارهای شایسته انجام دادند پاداششان را به طور کامل می‌دهد، و از احسانش بر آنان می‌افزاید، ولی کسانی که [از ایمان و عمل صالح] روی برتافتند و [در برابر پروردگار] تکبر کردند به عذاب دردناکی عذابشان می‌کند، و [برای نجات خود] جز خداوند دوست و یاور نمی‌خواهند یافت (۱۷۳) ای مردم! به یقین از سوی پروردگارتان برای شما بُرهان ویژه‌ای [چون پیامبر اسلام] آمد، و نیز نوری روشن‌گر [راه هدایت؛ مانند قرآن] به سوی شما فرستادیم (۱۷۴) در نتیجه آنان که به خداوند ایمان آوردند و به او تمسک جستند قطعاً در رحمتی ویژه و احسانی از نزد خود واردشان خواهد کرد، و به سوی خود به راه راست هدایشان می‌کند (۱۷۵)

از تو درباره «کلاله»؛ [یعنی برادران و خواهران میراث‌بر] فتوا می‌خواهند، بگو: خداوند درباره کلاله به شما به این صورت فتوا می‌دهد: اگر مردی بی‌فرزند از دنیا برود و خواهری داشته باشد، خواهر، نصف میراث به‌جامانده را به ارث می‌برد. و [اگر زنی بمیرد و جز یک برادر نداشته باشد] برادر، همه میراث به‌جا مانده او را به ارث می‌برد، [البته] اگر زن فرزندی نداشته باشد، و اگر [وارثان میت] دو خواهر باشند دوسوم میراث او را به ارث می‌برند، و اگر [وارثان میت] چند برادر و خواهر باشند سهم ارث هر مرد دو برابر زن است، خداوند [احکامش را] برای شما توضیح می‌دهد تا گمراه نشوید؛ خداوند به همه چیز داناست (۱۷۶)

### سورة مائده

#### مدنی ۱۲۰ آیه

#### به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی

ای مؤمنان! به همه قراردادها وفا کنید! گوشت چهارپایان دامی، جز آنچه [در آیات بعد حرام‌بودنش] بر شما خوانده می‌شود برایتان حلال است. و درحالی‌که مُحَرَّم [به] [حرام حج یا عمره] هستید نباید شکار را حلال بدانید، یقیناً خداوند آنچه را بخواهد [بر اساس علم و حکمتش و در جهت مصلحت زندگی شما] فرمان می‌دهد (۱) ای مؤمنان! [هتک حُرمت] [شعائر الهی] [چون مناسک حج] را بر خود مباح نشمارید! و [نیز شکستن حُرمت] [ماه‌های حرام، قربانی بی‌نشان، قربانی نشاندار، و راهیان به‌سوی بیت‌الحرام را که خواهان احسان خشنودی پروردگارشان هستند] [بر خود روا مدارید]! چون از [حرام درآمدید] [در صورت تمایل می‌توانید] [شکار کنید، و کینه‌توزی با گروهی که شما را از ورود به مسجدالحرام بازداشتند و ادارتان نکند که به آنان ستم کنید و یکدیگر را بر [انجام] کارهای نیک و ترک محرمات یاری کنید. و بر گناه و تجاوز [از حدود الهی] به یکدیگر کمک ندهید! و خود را از محرمات خدا حفظ کنید که خداوند سخت‌کیفر است (۲)

[خوردن آنچه تناسبی با جسم و روح شما ندارد] بر شما حرام شده [چون]: گوشت مُردار، خون، گوشت خوک، آنچه وقت ذبح نام غیر خدا بر آن خوانده شده، [گوشت] حیوان خفه شده، حیوانی که به ضرب چوب و سنگ مرده، حیوانی که به سبب پرت شدن از بلندی جان داده، حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگر بی جان شده، حیوانی که درنده‌ای آن را [کشته و از آن] خورده به جز آنچه [در آستانه مرگ با ذبح شرعی] تزکیه کرده‌اید، و نیز حیوانی که برای بُت قربانی شده، و آنچه به وسیله تیرهای قمار سهم‌بندی می‌کنید حرام است، [همه] این‌ها [در صورت حلال شمردن] گناه و نافرمانی [از احکام الهی] است. امروز کافران از [شکست و نابودی] دینتان [که اسلام است] نا امید شده‌اند، جای آن نیست که از آنان بترسید، باید از من بیم داشته باشید [که مبدا به اسلام و خودتان زیان بزنید]. امروز [با نصب علی بن ابی طالب علیه السلام به امامت و ولایت،] دینتان را به کمال رساندم، و نعمتم را بر شما تمام کردم، و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم. پس هر که در حال شدت گرسنگی بی آن که مایل به گناه باشد [به خوردن محرّمات بیان شده] ناچار شود، [می‌تواند به اندازه ضرورت از آن‌ها بهره گیرد؛ زیرا] خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۳) از تو می‌پرسند چه چیزی بر آنان حلال شده؟ بگو: همه پاکیزه‌های دلپذیر، و نیز آنچه حیوانات شکاری صید می‌کنند درحالی که احکام و قوانین تزکیه شدن را که خداوند به شما تعلیم داده به آن‌ها می‌آموزید بر شما حلال شده است، بر این اساس از آنچه برای شما [صید کرده و] نگاه داشته‌اند بخورید، و [هنگام فرستادن حیوان شکارکننده] نام خدا را بر آن ببرید، و در این مسئله خود را از محرّمات خدا حفظ کنید! زیرا خداوند حسابرسی سریع است (۴) امروز همه پاکیزه‌های دلپذیر برای شما حلال شده است، و خوراکی‌های اهل کتاب [که با مواد نجس و حرام آمیخته نباشد] بر شما حلال، و طعام شما هم بر آنان حلال است، و زنان پاکدامن مؤمن و زنان پاکدامن از اهل کتاب در صورتی که مهریه آنان را بپردازید [بر شما حلال اند]، درحالی که قصدتان ازدواج با آنان باشد نه زنا، و نخواهید آنان را در پنهان معشوقه نامشروع بگیرید، هر کس به حقایق ایمانی کفر ورزد قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت در زمره تباه‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] خواهد بود (۵)

ای مؤمنان! هنگامی که برای نماز برمی خیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید، و بخشی از سر و روی پاهایتان را تا برآمدگی پشت آن‌ها مسح کنید! و اگر جُنُب باشید به غسل روی آورید! و چنانچه بیمار هستید، یا در سفر به سر می‌برید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمده بود، یا با زنان آمیزش جنسی داشتید و آبی [برای وضو و غسل] نیافتید به خاکی پاک تیمّم کنید؛ به این کیفیت که بخشی از صورت و دست‌هایتان را به آن مسح کنید! خداوند نمی‌خواهد [با تشریح احکامش] شما را در هیچ تنگنا و فشاری قرار دهد؛ بلکه می‌خواهد شما را [از آلودگی‌ها] پاک کند، و نعمتش را بر شما تمام کند تا سپاس‌گذار باشید (۶) و نعمت‌های خدا را بر خود، و پیمان‌ش را [در لزوم اطاعت از او و پیامبرش] که شما را مؤکداً به آن موظف داشته قلباً یاد کنید؛ چون که گفتید: [به گوشِ قبول] شنیدیم و در مقام اطاعت برآمدیم. در این مسائل خود را از محرمات خدا حفظ کنید، قطعاً خداوند به اسرار و نیات باطن‌ها آگاه است (۷) ای مؤمنان! همواره [در همه امور] برای خدا قیام کنید و بر اساس عدالت گواهی دهید! و نباید دشمنی با گروهی شما را از عدالت‌ورزی بازدارد، عدالت کنید که عدالت‌کردن به [اطاعت از حق و] پرهیز [از تجاوز] نزدیک‌تر است، و خود را از محرمات خدا حفظ کنید! زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (۸) خداوند به آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده [حتمی] داده که برای آنان آمرزشی ویژه و پاداش بزرگی است (۹)

وکسانی که کافر به حقایق شدند و آیات ما را منکر شدند اهل دوزخند(۱۰) ای مؤمنان! نعمت خدا را بر خود قلباً یاد کرده، هنگامی که گروهی قصد کردند [برای نابودکردنتان] به شما شبیخون زنند نهایتاً خداوند توطئه آنان را از شما بازداشت، و خود را از محرمات خدا حفظ کنید؛ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند!(۱۱) خداوند از بنی اسرائیل [بر لزوم دینداری] پیمان گرفت، و از آنان دوازده سرپرست برانگیختیم [تا هر یک کارگزار قبیله خود باشد]، و خداوند اعلام کرد: به یقین من با شمایم، اگر نماز را [با شرایط ویژه‌اش] به‌پادارید، و زکات بپردازید، و به پیامبرانم ایمان آورید و آنان را در اهدافشان یاری کنید، و برای [جلب خشنودی] خداوند [به نیازمندان] وامی نیکو دهید در این صورت گناهانتان را محو می‌کنم، و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است وارد می‌کنم، پس هرکس از شما بعد از این پیمان به کفر روی کند، قطعاً از راه راست منحرف شده است(۱۲) پس آنان را به علت پیمان شکنی [از رحمت خود] راندید، و دل‌هایشان را [از پذیرش حق] سخت و بی‌عاطفه [و غیر قابل انعطاف] قرار دادیم [تا جایی که] پیوسته سخنان [حق] را از جایگاه‌های حقیقی‌اش [برای گمراه‌ماندن مردم] تغییر می‌دهند، و بخشی از آنچه [از معارف تورات] را که به وسیله آن پند داده شدند به فراموشی سپرده، و همواره از کارهای خانثانه آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می‌شوی، پس [تا آمدن حکم جهاد] از آنان بگذر! و [از مجازاتشان] چشم‌پوشی کن؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد(۱۳)



از کسانی که مدّعی نصرانیت بودند [نیز بر پابندی به حقایق] پیمان گرفتیم، آنان بخشی از آنچه را [از معارف انجیل] که به وسیله آن پند داده شدند به فراموشی سپرده، بر این اساس بین آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه انداختیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه همواره انجام می دادند آگاه می کند (۱۴) ای اهل کتاب! یقیناً پیامبر ما به سوی شما آمد در حالی که بسیاری از آنچه را شما [از کتاب تورات و انجیل درباره نشانه های پیامبری او و قرآن] همواره پنهان می داشتید برای شما توضیح می دهد، و از بسیاری [از پنهان کاری شما هم] چشم پوشی می کند، یقیناً از سوی خداوند برای شما نور و کتابی روشنگر آمده است (۱۵) خداوند به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که خواهان خشنودی او هستند به راه های سلامت هدایت می کند، و آنان را به خواست خود از تاریکی ها [بی چون؛ جهل، کفر، شرک و تکبر] به سوی نور [معرفت، ایمان، اخلاق و عمل صالح] روان می سازد، و به راه راست هدایتشان می کند (۱۶) قطعاً آنان که گفتند: خدا همان مسیح فرزند مریم است. بدون تردید کافر شده اند، بگو: اگر خداوند بخواهد مسیح و مادرش و همه کسانی را که در زمین هستند هلاک کند چه کسی می تواند در برابر [اراده و قدرت] او اختیار چیزی را داشته باشد [تا مانع این کار شود]؟ در حالی که مالکیت و فرمانروایی آسمان ها و زمین و آنچه بین آن دو تا است فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می آفریند، و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۷)

یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خداوند و محبوبان اویم. بگو: [اگر راست‌گویید] پس چرا خداوند شما را به علت گناهانتان عذاب می‌کند؟ [این نیست که می‌گویید،] شما هم بشری از [جنس] مخلوقات خدایید، هرکه را بخواهد می‌آمزد، و هرکه را بخواهد عذاب می‌کند، مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو تاست فقط در سیطرهٔ خداست؛ و بازگشت به سوی اوست (۱۸) ای اهل کتاب! مسلماً پیامبر ما پس از سپری‌شدن روزگاری از انقطاع نبوت، در حالی به سوی شما آمده که [آنچه او وحی شده] برای شما بیان می‌کند، که [روز قیامت در دادگاه حسابرسی] نگوئید هیچ مژده‌دهنده و بیم‌رسانی برای ما نیامد، بدون شک مژده‌دهنده و بیم‌رسان به سویتان آمد، و خداوند بر هر کاری تواناست (۱۹) [به یاد آرید] هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من! نعمت‌های خدا را بر خود قلباً یاد کرده، آن‌گاه که در بین شما پیامبرانی قرار داد و بعضی از شما را به پادشاهی رسانید، و آنچه به هیچ‌کس از جهانیان [روزگارتان] نداده بود به شما عطا کرد (۲۰) ای قوم من! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر کرده درآیید، و [در برابر دشمن] عقبگرد نکنید! [و تن به فرار ندهید] که از تباہ‌کنندگان [همهٔ سرمایه و جودی خود] خواهید شد (۲۱) گفتند: ای موسی! همانا در آن‌جا مردمی زورگو و ستمگر هستند، و ما هرگز در آن‌جا وارد نمی‌شویم تا آنان از آن‌جا بیرون روند، اگر از آن‌جا بیرون روند البته ما وارد خواهیم شد (۲۲) دو مرد از کسانی که خداترس بودند و خداوند به هر دو نعمت [ایمان و شہامت] داده بود گفتند: از این دروازه به آنان یورش برید! چون به آن‌جا درآید یقیناً پیروزید، و اگر مؤمن هستید فقط بر خداوند توکل کنید! (۲۳)

گفتند: ای موسی! تا آنان در آن هستند، ما هرگز به آن جا وارد نمی‌شویم، پس تو و پروردگارت بروید و با آنان بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشسته‌ایم! (۲۴) [موسی] گفت: پروردگارا! من جز اختیار خود و برادرم را ندارم، پس بین ما و این گروه منحرف نافرمان جدایی انداز! (۲۵) خداوند فرمان داد این سرزمین مقدس [به کیفر گناهانشان] تا چهل سال بر آنان ممنوع باشد، همواره در طول این مدت در زمین [سینا] سرگردان خواهند بود، پس بر این گروه منحرف نافرمان غمگین مباش! (۲۶) و داستان دو فرزند آدم را [که سراسر پند و عبرت است] بر اساس درستی و راستی بر آنان بخوان، آن هنگامی که هر دو [با انجام کار نیک] برای تقرّب [به پروردگار] اقدام کردند، از یکی پذیرفته شد و از دیگری قبول نشد، [آن که عملش مردود گشت از روی حسد و کینه به برادرش] گفت: [سوگند می‌خورم که] تو را حتماً می‌کشم. [او در پاسخ] گفت: خداوند فقط از خودنگهداران از محرمات می‌پذیرد (۲۷) تو اگر برای کشتن من دست بگشایی من به قصد کشتن تو دست نمی‌گشایم؛ [زیرا] از خداوند پروردگار جهانیان می‌ترسم (۲۸) من می‌خواهم که تو، به [عقوبت] گناه کشته شدنم به دست تو و [عقوبت] گناهان خودت دچار شوی، و در نتیجه از دوزخیان باشی، و این کیفر ستمکاران است (۲۹) پس به اختیار خود مرتکب قتل برادرش شود، در نتیجه او را کشت و از تباه‌کنندگان [همه سرمایه و جودی خود] شد (۳۰) نهایتاً [سرگردان بود، که] خداوند زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را دفن کند، [قاتل با دیدن عمل زاغ] فریاد زد: وای بر من! آیا ناتوان از اینم که مانند این زاغ باشم تا جسد برادرم را دفن کنم؟! سرانجام از پشیمانان شد (۳۱)

به این سبب به بنی اسرائیل سفارش کردیم: هرکس انسانی را جز برای قصاص، یا بدون این‌که در زمین به تبهکاری و فتنه‌انگیزی آلوده شده باشد به قتل برساند چنان است که همه انسان‌ها را به قتل رسانده، و هرکس شخصی را [از مرگ نجات داده و] زنده بدارد گویی همه انسان‌ها را زنده کرده است. همانا پیامبران، دلایل روشنی برای بنی اسرائیل آوردند، آن‌گاه بسیاری از آنان پس از آن در زمین به اسراف‌کاری برخاستند (۳۲) کیفر آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به تبهکاری و فتنه‌انگیزی می‌کوشند فقط این است که به سختی کشته شوند، یا به دارشان بیاویزند، یا دست‌ها و پاهایشان برعکس [یکدیگر] بریده شود، یا [از وطن] تبعید شوند، این برای آنان در دنیا مایه رسوایی و خواری است، و برای آنان در آخرت عذاب بزرگی است (۳۳) مگر کسانی که پیش از دست‌یافتن به آنان [به درستی] توبه کنند، بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۴) ای مؤمنان! خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و دستاویزی [چون ایمان و عمل صالح، برای تقرب] به سوی او بخواهید، و در راه او جهاد کنید تا سعادتمند شوید (۳۵) مسلماً کافران اگر همه آنچه در زمین است و همانند آن را مالک باشند تا آن را برای نجاتشان از عذاب روز قیامت غرامت و تاوان بپردازند از آنان نپذیرند، و برای آنان عذاب دردناکی است (۳۶)

همواره می‌خواهند از آتش درآیند ولی از آن بیرون‌آمدنی نیستند، و برای آنان عذاب پایداری است (۳۷) دستِ مرد و زنِ دزد را به کیفر کار [زشتی] که انجام داده‌اند به عنوان مجازاتی از سوی خداوند قطع کنید، و خداوند [در تشریح احکام] توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (۳۸) کسی که پس از ستم‌کردنش [به وسیله کارهای زشت] توبه کند، و [مفاسدش را] اصلاح سازد، مسلماً خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۳۹) آیا ندانسته‌ای که مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین در سیطرهٔ خداست؟ هرکه را بخواهد عذاب می‌کند، و آن را که بخواهد می‌آمرزد، خداوند بر هر کاری تواناست (۴۰) ای پیامبر! کسانی که به سوی انکار حقایق می‌شتابند تو را غمگین نسازند، چه آنان که به زبانشان اظهار ایمان کردند و دل‌هایشان ایمان نیاورده، و چه آنان که یهودی‌اند و بسیار به سخنانِ دروغ گوش می‌دهند، و در برابر دیگر یهودیانی که [از روی حسد و کبر] نزد تو نیامده‌اند [برای جاسوسی] گوش به فرمانند، [هم آنان که] سخنان [خدا در تورات] را پس از استواری در جایگاه‌هایش [برای گمراه‌ماندنِ مردم] تغییر می‌دهند، و [به مقلدان و تابعان خود] می‌گویند: اگر [از سوی پیامبر، احکام و دستورهایی] مطابق آنچه ما می‌گوییم به شما داده شد بپذیرید، و اگر [به مانند] آن به شما ابلاغ نشد از آن اجتناب کنید! کسانی که خداوند برای آنان عذاب بخواهد تو هرگز نمی‌توانی چیزی از [عذاب] خدا را از آنان برطرف کنی، اینان مردمی هستند که خداوند [به کیفر جنایاتشان] نخواست دل‌هایشان را [از کفر و نفاق] پاک کند، برای آنان در دنیا رسوایی و در آخرت عذاب بزرگی است (۴۱)

آنان بسیار به سخنان دروغ گوش می دهند و با همه توان مال حرام می خورند، اگر نزد تو آمدند بین آنان [در آنچه تو را داور قرار می دهند] داوری کن، یا از آنان روی برتاب! و اگر روی برتابی هیچ زبانی به تو نمی رسانند، و چون بینشان داوری کردی به عدالت داوری کن! زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد (۴۲) [شگفتا!] چگونه تو را بین خود به داوری می پذیرند درحالی که تورات که در آن حکم خداست نزد آنان است؟ آن گاه بعد از آن که بین آنان [مطابق با تورات] داوری کردی روی برمی تابند، و آنان [به تورات هم] ایمان ندارند! (۴۳) مسلماً ما تورات را که در آن هدایتگری [به سوی احکام] و روشننگری [نسبت به مسائل اعتقادی] است نازل کردیم، پیامبرانی که تسلیم [خدا و وحی الهی] بودند بر اساس تورات [تا زمان ظهور مسیح] بین یهودیان داوری می کردند، و نیز انبوهی از الهی مسلکان که حفظ و حراست کتاب خدا از آنان خواسته شده بود، و بر درستی آن شاهد بودند [به وسیله آن داوری می کردند]، پس [ای دانشمندان یهود!] از مردم بیم نداشته باشید، از من بترسید و آیاتم را به بهایی اندک نفروشید! کسانی که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده داوری نکنند قطعاً کافرند (۴۴) ما در تورات به بنی اسرائیل سفارش کردیم که [در قانون کيفر؛] جان در برابر جان، چشم در عوض چشم، بینی به جای بینی، گوش مقابل گوش و دندان در برابر دندان، و زخم ها را نیز کيفری است، پس هر که [از کيفردادن] گذشت کند آن گذشت کفاره ای برای گناهان اوست، و آنان که بر اساس آنچه خداوند نازل کرده داوری نکنند مسلماً ستمکارند (۴۵)

و به دنبال پیامبران گذشته، عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که گواهی دهنده [حقانیت] توراتِ پیش از خود بود، و انجیل را که در آن هدایتگری [به سوی حقایق] و روشنگری [در مسائل اعتقادی بود] به او عطا کردیم، در حالی که به حقانیت توراتِ نازل شده پیش از خود گواهی می داد، و برای پرهیزگاران هدایت کننده و موعظه گر بود (۴۶) و باید اهل انجیل بر پایه آنچه خداوند در آن نازل کرده داوری کنند! و آنان که بر اساس آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند مسلماً منحرف و نافرمانند (۴۷) ما این قرآن را به درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم در حالی که گواهی دهنده کتاب های نازل شده پیش از خود، و گواه صادق بر [حقانیت همه] آن هاست، پس بین آنان بر اساس آنچه خداوند نازل کرده داوری کن! و با توجه به آنچه که از حق به سویت آمده از خواسته های [نامشروع] آنان پیروی مکن، برای هر یک از شما [ملت ها] آیین و راه روشنی قرار دادیم، و اگر خدا می خواست همه شما را به صورت امت واحدی شکل می داد، ولی می خواهد شما را با آنچه عطایان کرده بیازماید، پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید، بازگشت همه شما به سوی خداوند است، نهایتاً شما را به آنچه همواره در مورد آن اختلاف می کردید آگاه می کند. (۴۸) و بین آنان بر پایه آنچه خداوند نازل کرده داوری کن! و از خواسته های [نامشروع] آنان پیروی مکن! و از ایشان بر حذر باش! مبدا این که تو را از بخشی از آنچه خداوند به سویت نازل کرده منحرف کنند، پس اگر [از داوری حکیمانانه] رویگردان شدند بدان که خداوند می خواهد آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند، مسلماً بسیاری از مردم منحرف و نافرمانند (۴۹) آیا جویای حکومت و داوری جاهلیت اند؟ برای قومی که یقین [به حقایق الهیه] دارند چه کسی از نظر حکومت و داوری بهتر و شایسته تر از خداست؟ (۵۰)

ای مؤمنان! یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود نگیرید، آنان دوستان یکدیگرند [و بر ضد شما یارهم‌اند،] هرکس از شما سرپرستی و دوستی آنان را بپذیرد قطعاً در زمره آنان خواهد بود، بی‌تردید خداوند مردم ستمکار را هدایت نمی‌کند (۵۱) کسانی که در دل‌هایشان [نسبت به حقایق] بیماری [شک و تردید] است می‌بینی که در مورد [دوستی با] یهود و نصاری شتاب می‌ورزند، [و بر اساس گمان باطلشان] می‌گویند: می‌ترسیم آسیب ناگواری به ما برسد، [پس لازم است با یهود و نصاری دوستی کنیم.] امید است خداوند از سوی خود پیروزی یا خیر دیگری [برای مسلمانان] پیش‌آورد تا [این بیماردلان] بر آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌داشتند پشیمان شوند (۵۲) مؤمنان [پس از پیروزی، به یکدیگر] می‌گویند: آیا این [بیماردلان] آنان هستند که با سوگندهای مؤکدشان به خدا سوگند می‌خوردند که همراه [و همراز] شما نیستند؟! [ولی روشن شد که دروغ می‌گفتند، و به این سبب] اعمالشان نابود و [بی‌اثر] گشت، در نهایت از تباہ‌کنندگان [همه سرمایه وجودی خود] شدند (۵۳) ای مؤمنان! هرکس از شما از دین خود برگردد [و به دیگر آیین‌ها روی آورد] زبانی به خدا و پیامبر نمی‌رساند، خداوند به‌زودی گروهی را می‌آورد که محبوب خدایند و خداوند هم محبوب آنان است، در برابر مؤمنان فروتنند و در برابر کافران سرسخت [و قدرتمند]، همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌هراسند، این احسان خداست که به هرکس بخواهد عطا می‌کند؛ خداوند بسیار عطاکننده و داناست (۵۴) سرپرست و دوست واقعی شما فقط خدا و پیامبر اوست، و نیز مؤمنانی [چون علی بن ابی‌طالب علیه السلام] که همواره نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا می‌دارند و در حال رکوع به تهیدستان صدقه می‌دهند (۵۵) و آنان که خدا و پیامبرش و مؤمنانی [چون امامان معصوم علیهم السلام] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند [حزب خدایند و] مسلماً حزب خدا فقط [همه‌جا و در هر زمان] پیروزند (۵۶) ای مؤمنان! کسانی که دین شما را به مسخره و بازیچه گرفته‌اند سرپرست و دوست خود نگیرید! چه از اهل کتاب باشند و چه از کافران، اگر مؤمن هستید در این امور خود را از محرّمات خدا حفظ کنید! (۵۷)



چون مردم را برای نماز فرا می‌خوانید آن را به مسخره و بازیچه می‌گیرند، این [کسار زشتشان] به سبب آن است که آنان گروهی هستند که [در حقایق الهی] اندیشه نمی‌کنند (۵۸) بگو: ای اهل کتاب! جز این را بر ما عیب می‌گیرید که ما به خداوند و آنچه [از سوی او] بر ما نازل شده، و آنچه پیش از ما [بر پیامبران] نازل گشته ایمان آورده‌ایم؟! همانا [این عیب‌جویی شما به خاطر این است که] بیشتر شما منحرف و نافرمان هستید (۵۹) بگو: آیا شما را از کسانی خبر دهم که کیفرشان نزد خداوند بدتر است؟ [آنان] قومی [از خود شما هستند] که خداوند [از رحمت خود] طردشان کرده، و بر آنان خشم گرفته، و برخی از آنان را به صورت بوزینه و خوک درآورده، و [نیز آنان که به جای خدا] طاغوت را پرستیدند! اینانند که جایگاهشان بدتر، و از راه راست گمراه‌ترند (۶۰) چون نزد شما آیند می‌گویند: ایمان آوردیم. درحالی‌که با کفر بر شما وارد می‌شوند و با کفر بیرون می‌روند، خداوند به آنچه [از کفر و نفاق] که همواره پنهان می‌کنند داننا تر است (۶۱) بسیاری از آنان را می‌بینی که به سوی گناه و تجاوز [از قوانین اسلام] و حرام‌خواری می‌شتابند، هرآینه بد است اعمالی که همواره انجام می‌دادند (۶۲) چرا الهی مسلمانان و عالمان یهود، آنان را از گفتار گناه‌آلود و حرام‌خواری باز نمی‌دارند؟ قطعاً بد است سکوتی که همواره پیش می‌گرفتند! (۶۳) یهود گفتند: دست [قدرت] خدا [برای تأمین رزق و تصرف در آفرینش و تشریح قوانین تکوینی و تشریحی] بسته است! دست‌های خودشان بسته باد! و بر آنان به سبب گفتار [باطل]شان لعنت باد! بلکه دست [قدرت] خداوند به صورت کامل و بی‌نهایت [همواره گشوده و باز است، هرگونه که بخواهد انفاق می‌کند، مسلماً آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید، ما میان آنان تا روز قیامت کینه و دشمنی انداختیم، هرگاه آتشی برای جنگ [با مؤمنان] افروختند خدا آن را خاموش کرد، همواره در زمین به تبهکاری و فتنه‌انگیزی می‌کوشند، خداوند تبهکاران فتنه‌انگیز را دوست ندارد (۶۴)

اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند و خود را از محرّمات خدا حفظ می‌کردند، قطعاً گناهانشان را محو می‌کردیم و در بهشت‌های پر نعمت واردشان می‌ساختیم (۶۵) اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده عمل می‌کردند، بی‌تردید از برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شدند، از آنان گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از آنان آنچه را انجام می‌دهند بد است (۶۶) ای پیامبر! آنچه از سوی پروردگارت [درباره معرفی علی بن ابی طالب علیه السلام به ولایت و امامت بر امت] بر تو نازل شده ابلاغ کن! اگر انجام ندهی پیام خدا را به مردم نرسانده‌ای! خداوند تو را از [گزند] مردم حفظ می‌کند، مسلماً خداوند قوم کافر را هدایت نمی‌کند (۶۷) بگو: ای اهل کتاب! شما بر مسلک قابل اعتنایی نیستید تا زمانی که به تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارتان بر شما نازل شده عمل کنید، بی‌تردید آنچه [چون قرآن] از سوی پروردگارت بر تو نازل شده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید، پس بر [سرکشی و کفر] قوم کافر غمگین مباش (۶۸) مسلماً کسانی که [به ظاهر] ایمان آوردند، و یهودی‌ها و صابئی‌ها و نصاری هرکدامشان [قلباً] به خدا و روز قیامت مؤمن شوند، و کار شایسته انجام دهند نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین شوند (۶۹) هرآینه ما از بنی اسرائیل [بر تسلیم بودن نسبت به حقایق] پیمان گرفتیم، و پیامبرانی به سوی آنان فرستادیم، هرگاه پیامبری آنچه دلخواهشان نبود برای آنان می‌آورد گروهی را منکر می‌شدند و گروهی را می‌کشتند (۷۰)

و پندارشان این بود که [برای آنان] عذابی در کار نیست، براین اساس [از دیدن واقعیات] کور، و [از شنیدن آیات حق] کر شدند، سپس [بعد از آگاهی و توبه کردن،] خداوند توبه آنان را پذیرفت، باز بسیاری از آنان کور و کر شدند، خداوند به آنچه انجام می دهند بیناست (۷۱) آنان که [از روی اعتقاد] گفتند: خدا همان مسیح فرزند مریم است، مسلماً کافر شدند، درحالی که مسیح گفت: ای بنی اسرائیل! خداوند یکتا را که پروردگار من و پروردگار همه شماست پرستید، مسلماً هرکس برای خداوند [در ربوبیت و خالقیت] شریک قائل شود خداوند بهشت را بر او حرام کرده، و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران هیچ یآوری نخواهد بود (۷۲) آنان که گفتند: خدا یکی از [این] سه [عنصر: پدر، پسر و روح القدس] است. قطعاً کافر شدند، درحالی که هیچ معبودی جز خداوند یکتا وجود ندارد، و اگر از آنچه می گویند باز نایستند قطعاً به کافران از آنان عذاب دردناکی خواهد رسید (۷۳) آیا [با توبه کردن از تثلیث] به سوی خدا باز نمی گردند و از او درخواست آمرزش نمی کنند؟ درحالی که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۷۴) مسیح فرزند مریم جز فرستاده ای [از سوی خدای یکتا] نیست که پیش از او پیامبرانی [آمدند و] درگذشتند، و مادرش زن [درست کردار و] راست گفتاری بود، هر دو [مانند دیگر انسان ها] غذا می خوردند، با دقت بنگر چگونه دلایل را برای آنان بیان می کنیم [تا بدانند خوردندگان، خدا نیستند،] آن گاه با دقت بنگر که آنان را چگونه [از حق به سوی باطل] بازشان می گردانند؟! (۷۵) بگو: آیا به جز خداوند چیزی را می پرستید که اختیار هیچ زیان و سودی را برای شما ندارد؟! درحالی که خداوند شنوا [ی همه گفتارها] و دانا [ی به همه امور] است (۷۶)

بگو: ای اهل کتاب! در دینتان به ناحق، غلو [و گزافه‌گویی] نداشته باشید! و از خواسته‌های [نامشروع] گروهی که یقیناً پیش از این گمراه شدند و بسیاری را به گمراهی کشیدند و از راه راست به بیراهه رفتند پیروی نکنید! (۷۷) کافران از بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، لعنت شدنشان بدین سبب بود که [از فرمان‌های خدا و پیامبران] سرپیچی کردند، و همواره [از قوانین الهی] تجاوز داشتند (۷۸) آنان یکدیگر را از کارهای زشتی که مرتکب می‌شدند باز نمی‌داشتند، هرآینه بد بود آنچه را پیوسته انجام می‌دادند! (۷۹) بسیاری از آنان را می‌بینی با کافران رابطه دوستی دارند، مسلماً بد است آنچه به دست خودشان برای قیامتشان پیش فرستاده‌اند، و نتیجه‌اش این است که خداوند بر آنان خشمگین شده، و هم آنان در عذاب جاودانه‌اند (۸۰) اگر به خداوند و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می‌آوردند قطعاً کافران را به عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردند؛ ولی بسیاری از آنان منحرف و نافرمانند (۸۱) مسلماً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی با مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این دوستی آنان به سبب این است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترسند، و آنان [در برابر حق] تکبر نمی‌کنند (۸۲)

[اینان،] چون آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند می‌بینی که دیدگان‌شان به سبب شناخت حق لبریز از اشک می‌شود، می‌گویند: پروردگارا! ما [به پیامبر و قرآن] ایمان آوردیم؛ بنابراین ما را در زمره گواهان [به حقانیت پیامبر و قرآن] قرار ده! (۸۳) ما بر اساس چه عذری به خداوند یکتا و حقی که به سوی ما آمده ایمان نیاوریم؟ درحالی که امیدواریم پروردگاران ما را در زمره شایستگان درآورد (۸۴) پس خداوند به پاس این سخنان [درست و عقاید صادقانه]، به آنان بهشت‌هایی را پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، در آن جاودانه‌اند، و این است پاداش نیکوکاران (۸۵) آنان که [با وجود روشن بودن حق] کافر شدند، و آیات ما را انکار کردند اهل آتشند (۸۶) ای مؤمنان! پاکیزه‌های دلپذیری را که خدا برای شما حلال کرده [به فتوای خود] بر خود حرام نکنید! و از [قوانین الهی] تجاوز نداشته باشید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست ندارد (۸۷) و از نعمت‌های حلال دلپذیری که خداوند به شما روزی کرده مصرف کنید، و خود را از محرمات خدا حفظ کنید! (۸۸) خداوند شما را به سبب سوگندهای بیهوده [و بی‌اختیارتان] مجازات نمی‌کند، ولی به علت [نادیده گرفتن] سوگندهایی که به صورتی جدی خورده‌اید کیفرتان می‌دهد، کفاره شکستن سوگندهای جدی، غذا دادن به ده نفر نیازمند است از غذاهای متوسطی که به خانواده خود می‌خورانید، یا پوشاندن لباس به آن ده نفر، یا آزاد کردن یک برده، پس کسی که [قدرت هیچ کدام را] نیابد کفاره اش سه روز روزه است، این است مجازات سوگندهای جدی، زمانی که سوگند می‌خورید، لازم است به سوگندهایتان پایبند باشید! این‌گونه، خداوند آیاتش را برای شما توضیح می‌دهد تا سپاسگزار باشید (۸۹)

ای مؤمنان! جز این نیست که همه مایعاتِ مست‌کننده، و قمار، و بُت‌هایی که برای پرستش نصب شده، و تیرهایی که به آن تقال زده می‌شود پلید، و از کردار شیطان است، از همه آن‌ها دوری کنید تا سعادتمند شوید (۹۰) شیطان فقط می‌خواهد در [آلوده‌کردنتان به] شراب و قمار بین شما دشمنی و کینه سخت اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتان دارد، آیا از این امور [با همه زیان‌هایی که دارد] بازمی‌ایستید؟ (۹۱) از خداوند و پیامبر اطاعت کنید، و [از مخالفت با آنان] پرهیزید، چنانچه روگردان شوید [سزاوار مجازات می‌شوید، و] بدانید بر عهده پیامبر ما فقط رساندن آشکار [پیام وحی] است (۹۲) بر آنان که مؤمن شده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند در مورد آنچه [پیش از حکم تحریم مُسکرات و قمار] خورده‌اند گناهی نیست، چنانچه پرهیزکار و ایمان [جدی‌تر] بیاورند، و [خالصانه] کارهای شایسته انجام دهند، سپس پرهیزگاری را تداوم بخشند و بر ایمانشان استوار بمانند، و بر پرهیزگاری ثابت‌قدم باشند و کار نیک به‌جا آورند [در زمره نیکوکارانند]، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۹۳) ای مؤمنان! قطعاً خداوند شما را [در حال احرام] به چیزی از شکار که دست‌ها و نیزه‌هایتان به آن می‌رسد آزمایش می‌کند، تا خداوند کسی را که در نهان از او می‌ترسد مشخص سازد، پس هرکس بعد از این [از قوانین الهی] تجاوز کند برای او عذاب دردناکی است (۹۴) ای مؤمنان! درحالی‌که در احرام هستید شکار را نکشید، هرکس از شما عمداً آن را بکشد کفاره‌ای همانند [جنس یا وزن یا قیمت] آنچه کشته از نوع حیواناتِ دامی بر عهده اوست، [به شرطی که] همانندبودنش را دو عادل از بین خودتان گواهی دهند، و باید به عنوان قربانی به [حریم] کعبه رسد، یا به جبران آن، [معادل قیمت شکار] به نیازمندان غذا دهد، یا به تعداد نیازمندی که لازم است غذا دهد روزه بگیرد، تا پیامد تلخ و شوم کارش را بچشد، خداوند از [گناه کشتن شکارهای] پیش از این [حکم] گذشت کرد، و هرکس [قانون را بشکند، و به شکارکردن] بازگردد، خداوند از او انتقام می‌گیرد، خداوند توانای شکست‌ناپذیر و دارای انتقام است (۹۵)

برای بهره‌مندشدنتان و کاروانیان، شکارکردن از دریا و خوراکی‌های آن [در حال احرام] بر شما حلال است، ولی شکار بیابان و صحرا تا زمانی که مُحَرَّم هستید بر شما حرام است، از خدایی که به‌سوی او محسورتان می‌کند، خود را از محرّماتش حفظ کنید! (۹۶) خداوند کعبه، این خانه حُرمت‌یافته و ماه‌های حرام و قربانی‌های بی‌نشان و قربانی‌های نشاندار را وسیله معیشت مردم قرار داده، این [شرایع و احکام] برای آن است که بدانید یقیناً خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، و مسلماً خداوند به همه چیز داناست (۹۷) بدانید قطعاً خداوند [به بندگان نافرمان] سخت‌گیر، و اینکه [به مطیع آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است (۹۸) بر عهده پیامبر جز رساندن [پیام خدا] نیست، خداوند آنچه را آشکارا انجام می‌دهید و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند (۹۹) بگو: ناپاک و پاک، یکسان نیستند؛ هرچند فراوانی ناپاک‌ها تو را به شگفتی اندازد، پس ای خردمندان! خود را از محرّمات خدا حفظ کنید تا سعادت‌مند شوید (۱۰۰) ای مؤمنان! از چیزهایی بپرسید؛ که اگر برای شما آشکار شود غمگینتان کند، چنانچه هنگام نزول قرآن از آن‌ها بپرسید برای شما روشن می‌شود [که چه وظیفه‌ای دارید]، خداوند از این‌که شما را مکلف به مسائلی کند که سبب ناراحتی شما گردد گذشت کرد، خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است (۱۰۱) هرآینه گروهی از پیشینیان شما از حقایقی پرسیدند، [ولی چون پاسخش را شنیدند از اجرائش سرپیچی کردند]، سپس منکر آن‌ها شدند (۱۰۲) خداوند هیچ حیوانی را تحت عنوان «بَحیره»؛ [ماده شتری که پنجمین حمل مادرش می‌باشد]، و «سائبه»؛ [شتری که ده ماده زاییده]، و «وصیله»؛ [گوسفند ماده‌ای که همزاد با بَرّه نر است]، و «حام»؛ [شتر نری که ده شتر از آن پدید آمده]، [مقدس و ممنوع از ذبح و تصرف] قرار نداده است، ولی کافران [حُرمت تصرف در آن‌ها را] بر خدا دروغ می‌بندند، و بیشترشان اندیشه نمی‌کنند (۱۰۳)

هنگامی که به آنان گویند: به سویی آنچه خداوند نازل کرده، و به سویی پیامبر آید، می‌گویند: آیینی که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌فهمیدند، و در مسیر هدایت قرار نداشتند؟! (۱۰۴) ای مؤمنان! مراقب [ایمان و ارزش‌های معنوی] خود باشید! اگر شما هدایت یافتید گمراهی گمراه‌شده به شما زیانی نمی‌رساند، بازگشت همه شما به سویی خداست، پس شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد (۱۰۵) ای مؤمنان! چون مرگ یکی از شما فرارسد لازم است هنگام وصیت دو عادل از همکیشان خود را گواه وصیت بگیرید، چنانچه سفر کردید و حادثه مرگ شما فرارسید، [و شاهدانی از مؤمنان نیافتید] دو نفر از غیر همکیشان خود را گواه وصیت انتخاب کنید، اگر [در راست‌گویی آن دو گواه غیر مسلمان] شک کردید هر دو را پس از نماز نگاه دارید تا به خدا سوگند خورند که: ما حق را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم؛ هر چند [مورد شهادت]، خویشاوندان ما باشند، و گواهی خدا را [که علم او هنگام وصیت وصیت‌کننده است] پنهان نمی‌کنیم؛ زیرا در این صورت از گناه‌کاران خواهیم بود (۱۰۶) پس اگر آگاهی حاصل شود که آن دو [شاهد غیر مسلمان با شهادت دروغ خود] مرتکب گناه شده‌اند دو شاهد دیگر از کسانی که به میت نزدیک‌تر، و تا حدی از وصیت آگاه‌ترند به جای آن دو [شاهد خائن] قرار گیرند، و به خدا سوگند بخورند که گواهی ما از گواهی آن دو نفر به حق نزدیک‌تر است، و [در گواهی خود که خلاف گواهی آنان است] بنای تجاوز [از حق را] نداریم، در غیر این صورت مسلماً از ستمکاران خواهیم بود (۱۰۷) این [روشی که خداوند برای شما بیان کرد] سبب می‌شود که گواهان، گواهی خود را به صورتی صحیح و بر اساس حق ادا کنند، یا علت می‌شود که بترسند [دروغشان آشکار شود، و] حق ادا سوگندشان را به دیگران برگردانند، [و نهایتاً رسوا شوند]. و در این مسئله خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و [پندهای حکیمانه و موعظه‌های خدا را به گوش قبول] بشنوید! خداوند گروه منحرف نافرمان را هدایت نمی‌کند (۱۰۸)



[از] روزی [پروا کنید] که خداوند پیامبران را جمع می‌کند و به آنان می‌گوید: [امت‌ها در برابر دعوت شما] به شما چه پاسخی دادند؟ می‌گویند: ما را [در برابر دانش تو] هیچ دانشی نیست، تویی که به همهٔ نهان‌ها آگاهی کامل داری (۱۰۹) زمانی [را یاد کنید] که خداوند گفت: ای عیسی‌بن‌مریم! نعمت‌هایم را بر خود و مادرت قلباً یاد کن، آن‌گاه که تو را به وسیلهٔ رُوحِ القُدُس توانایی دادم که با مردم در گهواره و در میان‌سال‌ی سخن می‌گفتی، و زمانی که به تو کتاب و معارف استوار و سودمند و تورات و انجیل آموختم، و هنگامی که به اذن من از گل مجسمه‌ای به صورت پرنده می‌ساختی و در آن می‌دمیدی و به ارادهٔ من پرنده‌ای زنده می‌شد، و کور مادرزاد، و جُدّامی را به خواست من شفا می‌دادی، و وقتی که مردگان را [به مشیت من از گور، زنده] بیرون می‌آوردی، و آن زمان که شرّ و آسیب بنی‌اسرائیل را از تو بازداشتیم هنگامی که برای آنان دلایل و معجزات آوردی [و نپذیرفتند]، پس کافران از آنان گفتند: این [دلایل و معجزات] جز سحری آشکار نیست! (۱۱۰) و زمانی که به حواریون الهام کردم که: به من و فرستادهٔ من ایمان آورید، گفتند: ایمان آوردیم، گواه باش که ما تسلیم [خداوند] هستیم (۱۱۱) [به یاد آرید] زمانی که حواریون گفتند: ای عیسی‌بن‌مریم! آیا پروردگارت می‌تواند برای ما از آسمان سفره‌ای [پر از غذا] بفرستد؟ [عیسی] گفت: اگر ایمان دارید از خداوند [نسبت به این خواستهٔ ناروا] پروا کنید (۱۱۲) گفتند: می‌خواهیم از این [نعمت و ویژه] بخوریم و دل‌های ما آرامش یابد، و بدانیم که تو [در ادعای نبوت] به ما راست گفته‌ای، و ما از گواهان بر صدق رسالت باشیم (۱۱۳)

عیسی بن مریم گفت: خداوند! ای پروردگار ما! برای ما سفره‌ای [پرنعمت] از آسمان نازل کن تا عیدی باشد برای اهل زمان ما و نسل آینده‌ای باشد از سوی تو [بر قدرت بی‌نهایت]، و به ما روزی عطا کن که تو بهترین روزی دهنده‌گانی (۱۱۴) خداوند فرمود: یقیناً من آن را برای شما می‌فرستم، چنانچه کسی از شما بعد از آن منکر [این نعمت ویژه] شود یقیناً او را دچار عذابی خواهیم کرد که هیچ‌یک از جهانیان را آن‌گونه عذاب نکنم (۱۱۵) [عرصه قیامت را به یاد آرید؛] هنگامی که خداوند می‌گوید: ای عیسی بن مریم! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را جز خدا دو معبود خداوند انتخاب کنید؟! [عیسی] پاسخ می‌دهد: تو [از هر عیب و نقصی] پاک و منزّه‌ی، سزاوار من نیست که آنچه را بر ایم حق نمی‌باشد [به مردم] بگویم؟! اگر گفته باشم مسلماً تو آن را می‌دانی، تو از آنچه در باطن من است آگاهی، و من از آنچه در ذات توست نا آگاهم؛ زیرا تو بر همه نهران آگاهی [کامل] داری (۱۱۶) من به آنان جز آنچه که به من فرمان دادی نگفتم، [سخنم به همه مردم این بود] که خداوند یکتایی را بپرستید که پروردگار من و شماست. تا زمانی که بین آنان قرار داشتم شاهد [و مراقب عقاید و اعمال] آنان بودم [که به انحراف آلوده نشوند]، چون مرا [از بین آنان به سوی خود] برگزفتی، تو خود نگاهبانان بودی، و تو بر همه چیز شاهدی (۱۱۷) اگر آنان را [به سبب انحرافشان] عذاب کنی بندگان تو، و اگر آنان را بیمارزی [اختیار توست] که توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی (۱۱۸) خداوند [در عرصه‌گاه قیامت] می‌گوید: این روزی است که صدق صادقان سودشان دهد، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، همواره در آن جاودانه‌اند، خداوند از آنان خشنود، و آنان هم از خداوند خشنودند، این [خشنودی طرفینی] کامیابی بزرگ است (۱۱۹) مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست فقط در سیطره خداوند است، و او بر هر کاری تواناست (۱۲۰)

## سورة انعام

مکی ۱۶۵ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

همه ستایش ها و ویژه خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید، و تاریکی ها و روشنی را پدید آورد. [پس از این نشانه ها که شاهد بر یکتایی اوست] باز کافران برای پروردگارشان [معبودهای باطل] شریک و همتا قرار می دهند (۱) اوست که شما را از گلی ناچیز آفرید، آن گاه [برای زندگی شما در زمین] مدتی معین مقرر کرد، و مدت غیر قابل تغییر نزد اوست، [شگفتا! که] باز شما [در وجود او] شک می کنید! (۲) اوست که در آسمان ها و زمین معبود یکتاست، نهان و آشکار شما را می داند، و به آنچه [از خیر و شر] به دست می آورید داناست (۳) هیچ آیه و معجزه ای از آیات و معجزات پروردگارشان برای آنان نیامد مگر آن که از آن روی گردانند (۴) آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد منکر شدند، پس به زودی [ظهور و تحقق] اخباری که همواره به مسخره می گرفتند به آنان می رسد (۵) آیا ندانسته اند که پیش از اینان چه بسیار از امت ها را نابود کردیم، [امت هایی که] به آنان در پهنه زمین نعمت ها و امکاناتی دادیم که به شما نداده ایم، و باران های پی در پی و پُرریش برای آنان فرستادیم، و نهلهایی از زیر پایشان جاری ساختیم، [ولی ناسپاسی کردند،] در نتیجه همه را به کیفر گناهانشان نابود کردیم، و پس از آنان امت های دیگری را پدید آوردیم (۶) اگر ما نوشته ای را بر صفحه ای [برای هدایت اینان] بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند باز کافران [متکبر لجاج] می گفتند: این جز سحری آشکار نیست! (۷) گفتند: چرا فرشته ای [که ما او را با چشم خود ببینیم] بر او نازل نشده است؟ اگر فرشته ای [که او را ببینند] می فرستادیم کار [نابودی این بهانه جویان] تمام می شد، و لحظه ای [برای توبه و اصلاح] مهلتشان نمی دادند (۸)

[این سفسطه‌بازان می‌گویند: چرا پیامبر از جنس فرشتگان نیست؟! اگر او را فرشته قرار می‌دادیم یقیناً به صورت مردی درمی‌آوردیم، و باز هم مسئله نبوت را که همواره [بر مردم] مشتبه می‌سازند [به کیفر لجاجتشان] بر خود آنان مشتبه می‌ساختیم [تا به هدایت دست نیابند] (۹) یقیناً پیامبران پیش از تو هم مسخره شدند، در نتیجه کسانی که پیامبران را مسخره می‌کردند عذابی که همواره مورد استهزایشان بود فرایشان گرفت (۱۰) بگو: در زمین گردش کنید، آن‌گاه با دقت بنگرید که فرجام منکران چگونه بود؟ (۱۱) بگو: [مالکیت] آنچه در آسمان‌ها و زمین است ویژه کیست؟ بگو: [مالکیت] فقط ویژه خداست؛ [خدایی] که رحمت را بر خود لازم و مقرر داشته، قطعاً همه شما را در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع خواهد کرد، تنها کسانی که [سرمايه‌های وجودی] خود را تباه کرده‌اند [به حقایق] ایمان نمی‌آورند (۱۲) آنچه در [ظرف] شب و روز آرام و قرار دارد در سیطره مالکیت خداست، و او شنوای صدای همه موجودات]، و دانا [ی همه امور آنان] است (۱۳) بگو: آیا جز خدا را که پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است سرپرست و یار خود انتخاب کنم؟! اوست که روزی می‌دهد، و خود بی‌نیاز از روزی است، بگو: من مأمورم که [در بین شما] نخستین کسی باشم که تسلیم‌بودن [به خداوند] را گردن نهد، و [دستور یافته‌ام که:] هرگز از مشرکان نباش (۱۴) بگو: مسلماً اگر پروردگارم را [در مسئله توحید] نافرمانی کنم از [دچار شدن به] عذاب روزی بزرگ می‌ترسم (۱۵) در آن روز عذاب را از هرکس دور کنند مسلماً مورد رحمت خداوند قرار گرفته، و آن کامیابی آشکاری است (۱۶) اگر خداوند به تو آسیبی رساند کسی جز او برطرف‌کننده آن نیست، و اگر خیری به تو رساند [کسی نمی‌تواند آن را از رسیدن به تو بازدارد؛ زیرا] فقط اوست که بر هر کاری تواناست (۱۷) و اوست که بر بندگانش مسلط و چیره است، و او حکیم و آگاه است (۱۸)

[به منکران حقایق] بگو: گواهی چه کسی بر صدق نبوتم برترین گواهی است؟ بگو: خداوند بین من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هرکه را این قرآن به او می‌رسد [از عاقبتِ شوم کفر و شرک] هشدار دهم، آیا شما [با تکیه بر دلیل استوار] گواهی می‌دهید که با خداوند، معبودهای دیگری هست؟ بگو: من گواهی نمی‌دهم، بگو: معبود یگانه و یکتا فقط اوست، و من از معبودهایی که شریک او [در کارگردانی جهان] قرار می‌دهید به شدت بیزارم (۱۹) کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان عطا کردیم [بر پایه اوصافی که در آنها بیان شده] پیامبر را می‌شناسند همان‌گونه که پسرانشان را می‌شناسند، تنها کسانی که [سرمایه‌های وجودی] خود را تباه کرده‌اند [به پیامبر اسلام] ایمان نمی‌آورند (۲۰) ستمکارتر از کسی که بر خداوند دروغ بسته، یا آیات او را منکر شده کیست؟ به یقین ستمکاران به سعادت نمی‌رسند (۲۱) [به یاد آرید] روزی که همه مشرکان را در عرصه قیامت جمع می‌کنیم، سپس به کسانی که [برای خدا] شریک قرار دادند می‌گوییم: شریکانتان که می‌پنداشتید [شریک خدایند] کجایند؟! (۲۲) سپس بهانه و پاسخ آنان جز این نیست که می‌گویند: به خداوند یکتا پروردگارمان سوگند که ما [در دنیا برای خداوند] شریکی قائل نبودیم! (۲۳) با دقت بنگر که چگونه بر خود دروغ می‌بندند، و آنچه را به دروغ [به عنوان شریک خدا] انتخاب کرده بودند از دستشان رفت (۲۴) از آنان کسانی هستند که به سخنان [که محصول وحی است] گوش می‌دهند، و ما [به کیفر لجاجت و کبرشان] بر دل‌هایشان حجاب‌هایی قرار داده‌ایم که آن را نمی‌فهمند، و در گوششان سنگینی نهاده‌ایم [که نمی‌شنوند]، اگر هر آیه و معجزه‌ای را ببینند [باز هم] به آن ایمان نمی‌آورند، تا آن‌جا که وقتی نزد تو می‌آیند با تو وارد گفت‌وگوی نادرست و بی‌دلیل می‌شوند، کافران می‌گویند: این قرآن جز افسانه‌های پیشینیان نیست! (۲۵) آنان [مردم را] از روی آوردن به قرآن باز می‌دارند، و خود نیز از آن دوری می‌کنند، [این تاریک‌دلان لجوج] جز خود را به هلاکت نمی‌اندازند، و [این عاقبتِ شوم را] درک نمی‌کنند (۲۶) اگر هنگامی که آنان را بر آتش دوزخ نگاه داشته‌اند ببینی، [در حالتی هول‌انگیزی می‌بینی]، می‌گویند: ای کاش ما را [به دنیا] بازمی‌گردانند، و [در آن‌جا] آیات پروردگارمان را انکار نمی‌کردیم، و از مؤمنان می‌شدیم (۲۷)

بلکه آنچه پیش تر [از درستی حقایق، در باطن خود] پنهان می‌داشتند، برای آنان روشن شده [که آرزوی برگشت به دنیا می‌کنند،] و اگر [به دنیا] بازگردانده شوند یقیناً به آنچه [از کفر و شرک] که از آن نهی شدند باز می‌گردند، مسلماً آنان دروغگویند (۲۸) [در دنیا] می‌گفتند: جز این زندگی دنیای ما زندگی دیگری وجود ندارد، و [پس از مرگ] برانگیخته نمی‌شویم! (۲۹) اگر بینی هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند [وضعی شگفت‌انگیز می‌بینی!] خداوند می‌فرماید: آیا این [برانگیخته شدن]، حق نیست؟ می‌گویند: آری، سوگند به پروردگارمان حق است. خداوند می‌گوید: پس به کیفر این‌که همواره منکر [معاد] بودید این عذاب را بچشید! (۳۰) کسانی که لقای خدا را انکار کردند قطعاً به تباهی سرمایه‌های وجودی خود دچار شدند تا آن‌گاه که قیامت غافل‌گیرانه به سراغشان آید، در آن حال می‌گویند: ای دریغ و افسوس بر ما! که در دنیا [از تکالیف خود] کوتاهی کردیم. آنان بار سنگین گناهانشان را بر دوش می‌کشند، آگاه باشید! بد باری بر دوش می‌کشند! (۳۱) زندگی دنیا [بدون ایمان و عمل صالح] جز بازی و سرگرمی نیست، یقیناً سرای آخرت برای آنان‌که همواره خود را از محرمات خدا حفظ می‌کنند بهتر است، آیا در این مسئله نمی‌اندیشید؟ (۳۲) آنچه را [منکران بر ضد تو] می‌گویند می‌دانیم که تو را غمگین می‌کند، [غمگین مباش؛ چون] تو را منکر نمی‌شوند؛ بلکه ستمکاران، آیات خدا را انکار می‌کنند (۳۳) به یقین پیش از تو رسولانی در معرض انکار قرار گرفتند و بر انکار و آزاری که دیدند شکیبایی ورزیدند، تا یاری ما به آنان رسید، [یاری ما به تو هم خواهد رسید،] روش‌های خداوند را تغییردهنده‌ای نیست، همانا بخشی از سرگذشت پیامبران [در آیات گذشته] به تو رسیده است (۳۴) چنانچه رویگردانی آنان [از حقایق] بر تو گران است اگر بتوانی زیرگذری در زمین بزنی، یا نردبانی برای راه یافتن به آسمان فراهم کنی تا معجزه‌ای [دیگر، غیر قرآن] برای آنان بیاوری [انجام ده!] [ولسی این خودخواهان لجوج ایمان نمی‌آورند،] اگر خداوند می‌خواست همه آنان را [از روی جبر] بر بلندای هدایت جمع می‌کرد، پس هرگز [نسبت به حالات زشت آنان] از بی‌خبران مباش! (۳۵)

فقط کسانی [دعوت را] پاسخ می‌دهند که دارای گوش شنوا هستند، خداوند مردگان را [در قیامت] برمی‌انگیزد، آن‌گاه [همه را برای حسابرسی] به سوی او باز می‌گردانند (۳۶) گفتند: چرا معجزه‌ای [که مورد درخواست ماست] از سوی پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟! بگو: قطعاً خداوند قدرت دارد معجزه‌ای [مطابق درخواست آنان] نازل کند، ولی بیشترشان [به شرایط و موقعیت‌ها] آگاه نیستند (۳۷) هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر آن‌که گروه‌هایی چون شمایند، ما چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم، سپس همه را به سوی پروردگارش جمع می‌کنند (۳۸) آنان که آیات ما را انکار کردند کرها و لال‌هایی فرورفته در تاریکی‌ها [ای جهل و گمراهی] اند، خداوند هرکه را بخواهد [به کیفر انکار آیاتش] گمراه می‌کند، و هرکه را بخواهد [به پاداش تصدیق آیاتش] بر راه راست قرار می‌دهد (۳۹) بگو: اگر راستگو هستید به من خبر دهید چنانچه عذاب خدا به شما برسد، یا قیامت به سراغتان آید کسی را جز خداوند [برای یاری خویش] می‌خوانید؟ (۴۰) [نه،] بلکه فقط خدا را می‌خوانید، و او هم اگر بخواهد عذابی را که به سبب آن او را برای فریادرسی می‌خوانید برطرف می‌کند، [آن زمان است که] معبودهای بی‌هویتی را که شریک او می‌پنداشتید فراموش می‌کنید (۴۱) بی‌تردید ما به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم، پس [چون به مخالفت برخاستند] به تنگدستی و سیه‌روزی دچارشان کردیم، تا [برای رفع آن به پیشگاه ما] ذلت و زاری آرند. (۴۲) پس چرا هنگامی که از سوی ما تنگدستی و سیه‌روزی به آنان رسید به آستانه ما با ذلت و زاری نیامدند؟ [در حالی که شایسته بود به ما روی آورند،] ولی دل‌هایشان [به خاطر فرورفتن در گناهان] سخت شد، و شیطان اعمال [ناپسندی] که همواره انجام می‌دادند در نظرشان آراست (۴۳) پس زمانی که آنچه را [برای پندگرفتشان] به آن یادآوری شده بودند به فراموشی سپردند درهای همه نعمت‌ها را به روی آنان گشودیم، تا وقتی که به نعمت‌های داده‌شده مغرورانه خوش حال گشتند آنان را به صورتی غافل‌گیرانه دچار عذاب کردیم، پس یکباره [از نجات خود] نومید و درمانده شدند! (۴۴)

نهایتاً ریشهٔ کسانی که [به آیات ما و به مردم] ستم کردند کننده شد. همهٔ ستایش‌ها و بی‌زۀ خداوند مالک و مربی جهانیان است (۴۵) [به آنان که برای خدا شریکانی قرار داده‌اند] بگو: به من خبر دهید اگر خداوند گوش و چشم‌هایتان را بگیرد، و بر دل‌هایتان مُهرِ [عدم فهم حقایق] بزند کدام معبودی جز خداست که آن‌ها را به شما بدهد؟! با دقت بنگر چگونه آیات [خود] را به صورت‌های گوناگون [برای هدایت اینان] بیان می‌کنیم، سپس رویگردان می‌شوند! (۴۶) بگو: به من خبر دهید اگر عذاب خداوند غافل‌گیرانه یا آشکارا به سراغتان آید، آیا جز ستمکاران هلاک می‌شوند؟ (۴۷) پیامبران را جز مژده‌رسان و هشداردهنده نمی‌فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهگین می‌شوند (۴۸) و آنان که متکر آیات ما شدند به سبب تبهکاری و فرمان نبردنشان عذاب به آنان می‌رسد (۴۹) بگو: به شما نمی‌گویم که خزانه‌های خداوند نزد من است، و نمی‌گویم که غیب می‌دانم، و نمی‌گویم فرشته‌ام، فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می‌کنم، بگو: آیا کوردل و بینا یکسانند؟ چرا اندیشه نمی‌کنید؟ (۵۰) به وسیلهٔ این [قرآن] کسانی را که از محشور کردنشان به‌سوی پروردگارشان می‌ترسند هشدار ده! [که در آن روز آنان را] جز خداوند، سرپرست و شفیع نخواهد بود؛ [این هشدار] برای این [است] که خود را از محرّمات خدا حفظ کنند (۵۱) کسانی را که بامدادان و شامگاهان به پیشگاه پروردگارشان نیایش خالصانه دارند درحالی که خشنودی او را می‌خواهند از خود دور مکن! از حساب آنان چیزی بر عهدهٔ تو نیست، و از حساب تو هم چیزی بر عهدهٔ آنان نیست که دورشان کنی و [در نتیجه] از ستمگران شوی (۵۲)



ما این‌گونه، توانگران را به مؤمنانِ تهیدست آزمودیم تا [با تمسخر] بگویند: آیا اینانند که خدا از بین ما بر آنان مَنّت نهاده، [و بر ما برتری داده؟!]. آیا خداوند به سپاس‌گزاران آگاه‌تر از هرکسی نیست؟ (۵۳) هرگاه باورکنندگانِ آیات ما نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته؛ بنابراین هرکس از شما از روی نادانی کار زشتی مرتکب شود، آن‌گاه بعد از آن توبه کند و [مفاسد خویش را] اصلاح کند [مشمول آمرزش و رحمت خداوند می‌شود؛ زیرا] خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است (۵۴) ما این‌گونه، آیات را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گنه‌پیشگان آشکار گردد (۵۵) بگو: من از پرستش معبودانی [غیر خدا] که شما می‌پرستید نهی شده‌ام، بگو: من هرگز از خواسته‌های [نامشروع] شما پیروی نمی‌کنم که در آن صورت به گمراهی افتاده، و از هدایت‌یافتگان نخواهم بود (۵۶) بگو: من بر دلیل روشنی از سوی پروردگارم [چون قرآن پایبند] هستم، درحالی‌که شما آن را [از روی کبر و لجاجت] انکار کردید، عذابی که به آن شتاب دارید در اختیار من نیست، فرمان و حکومت [نسبت به هرچیزی] فقط در اختیار خداست، همواره حق را [برای هدایت و رشد شما] بیان می‌کند، و او بهترین جداکنندگان [حق از باطل] است (۵۷) بگو: عذابی که به آن شتاب دارید، اگر در اختیار من بود، قطعاً کار میان من و شما به سرعت پایان یافته بود، خداوند به ستمکاران داناتر است [که چه زمانی آنان را عذاب کند] (۵۸) کلیدهای [خزائن] غیب فقط نزد اوست و کسی جز او آن‌ها را نمی‌داند، به آنچه در خشکی و دریاست داناست، هیچ برگی نمی‌افتد مگر آن‌که آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تَر و خشکی نیست مگر آن‌که در کتابی روشنگر [چون لوح محفوظ] ثبت است (۵۹)

او کسی است که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می‌گیرد، و به آنچه در روز [از نیکی و بدی] به دست آورده‌اید آگاه است، سپس شما را در روز [با برگرداندن روحتان از خواب] برمی‌انگیزد، تا مدت معین شده [عمر شما] سرآید، آن‌گاه بازگشت شما به سوی اوست، سپس شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید آگاه می‌کند (۶۰) اوست که بر بندگانش مسلط و چیره است، و همواره فرشتگانی را برای نگهبانی و حفاظت شما [از حوادث و پیش‌آمدها] می‌فرستد تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از شما آید، در این هنگام فرستادگان ما جانش را می‌گیرند، و آنان [در مأموریت خود] کوتاهی نمی‌کنند (۶۱) سپس همه به سوی خداوند سرپرست حقیقی‌شان بازگردانده می‌شوند؛ آگاه باشید که [در آن روز] فرمانروایی و حکومت مطلق فقط ویژه اوست، و او سریع‌ترین حسابگران است (۶۲) بگو: چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌دهد؟ درحالی‌که [فقط] او را [برای نجات خود] از روی زاری و در پنهان [به کمک] می‌طلبید [و قاطعانه می‌گویید] که اگر ما را از این [تنگناها و مهلکه‌ها] نجات دهد یقیناً از سپاس‌گزاران خواهیم بود (۶۳) بگو: خداوند شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا و هر اندوهی نجات می‌دهد، ولی باز شما [معبودهای بی‌هویت را] شریک [او در قدرت و ربوبیت] قرار می‌دهید! (۶۴) بگو: او قدرت دارد که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی سخت بر شما بفرستد، یا شما را گروه‌گروه به جان هم اندازد تا طعم ناگوار درگیری و خون‌ریزی را به هر گروهی از شما به‌وسیله گروه دیگر بچشاند، با دقت بنگر که چگونه آیات خود را به‌صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم تا بفهمند (۶۵) قوم تو قرآن را که حق است انکار کردند، بگو: من کارگزار کیفر شما نیستم (۶۶) برای هر حادثه و عذابی [به جهت وقوعش] قرارگاهی [از زمان و مکان] است، به‌زودی [ظهور حادثه و عذاب را در قرارگاهش] خواهید دانست (۶۷) هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما [به قصد شبهه‌اندازی] در گفتار بیهوده و سخن‌بازی‌گرانه فرومی‌روند، از آنان روی برتاب [و مجلسشان را ترک کن] تا در سخنی دیگر درآیند، چنانچه شیطان تو را [در مورد ترک مجلسشان] به فراموشی اندازد، پس از به یاد آمدن، با آن قوم ستم‌پیشه منشین! (۶۸)

چیزی از حساب ستمکاران بر عهده پرهیزکاران نیست بلکه [وظیفه تقوای پیشگان است که بیهوده‌گویان را] پند دهند تا خود را از محرمات خدا حفظ کنند (۶۹) آنان دینشان را بازی و سرگرمی گرفته‌اند، و زندگی دنیا [ی پر زرق و برق] فریبشان داده رها کن! و [مردم را] با قرآن اندرز ده! که مبادا کسی [در قیامت] به کیفر گناهانی که مرتکب شده [از رحمت] محروم شود، و او را از غیر خدا یار و شفیع نباشد، و اگر [برای نجاتش از عذاب] هرگونه غرامت و تاوان بپردازد پذیرفته نشود، آنان مردمی هستند که به سبب آنچه [از اعمال زشت] مرتکب شده‌اند [از رحمت] محروم مانده، برای ایشان به سبب آن که همواره [آیات خدا را] منکر می‌شدند نوشیدنی [ناگواری] از آب جوشان و عذابی دردناک است (۷۰) بگو: آیا غیر خداوند، معبودانی را پرستیم که قدرت رساندن سود و زیانی را به ما ندارند، و ما را پس از آن که خداوند هدایت کرد به [آیین جاهلیت] گذشته بازگردانند؟! مانند کسی که شیاطین در زمین، عقلش را ربوده، و دچار سرگردانی شده، درحالی که برای او [بر خلاف خواسته شیاطین] یارانی است که وی را به سوی هدایت دعوت می‌کنند [و می‌گویند:] به سوی ما بیا بگو: مسلماً هدایت خدا [همان] هدایت [درست و واقعی] است، و ما مأموریم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم (۷۱) و [نیز فرمان یافته‌ایم به] این که: نماز را [با شرایط ویژه‌اش] برپا دارید و خود را از محرمات خدا حفظ کنید، و او کسی است که به سویش جمعتان می‌کنند (۷۲) اوست که آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، و روزی که [اراده‌اش به آفریدن چیزی تعلق گیرد فقط به آن] می‌گوید: باش! پس بی‌درنگ موجود می‌شود، کلامش حق است. روزی که [برای برپاشدن قیامت] در صور بدمند فرمانروایی و حاکمیت مطلق فقط ویژه اوست، دانای نهان و آشکار است، و او حکیم و آگاه است (۷۳)

[به یاد آرید] هنگامی که ابراهیم به پدر [خوانده] خود آزر گفت: آیا بُت‌ها [ای بی‌هویت و بدون اثر] را به عنوان معبود انتخاب می‌کنی؟ من تو و قومت را در گمراهی آشکار می‌بینم (۷۴) حقیقت این است که ما فرمانروایی و مالکیت مطلقه خود را بر آسمان‌ها و زمین به ابراهیم نشان دادیم تا از یقین‌کنندگان شود (۷۵) چون [تاریکی] شب او را فراگرفت ستاره‌ای بسیار روشن دید [با تظاهر به ستاره‌پرستی] گفت: این است پروردگار و مدبّر من! زمانی که ستاره غروب کرد، گفت: من غروب‌کنندگان را [که نشانگر مخلوق بودن آنان است] دوست ندارم (۷۶) هنگامی که ماه را در حال طلوع دید [با تظاهر به ماه‌پرستی] گفت: این است پروردگار و مدبّر من! چون ماه غروب کرد، گفت: یقیناً اگر پروردگار من [که مالک و فرمانروای جهان هستی است] مرا هدایت نکند قطعاً از گروه گمراهان خواهم بود (۷۷) چون خورشید را در حال طلوع دید [با تظاهر به خورشیدپرستی] گفت: این است پروردگار و مدبّر من؛ زیرا این بزرگ‌تر [از ستاره و ماه] است! هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من! بی‌تردید [با همه وجودم] از آنچه [از بُت‌ها و عناصر آسمانی] که شریک خدا [در قدرت و ربوبیت] قرار می‌دهید بیزارم (۷۸) من [همه] وجودم را به سوی کسی که آسمان‌ها و زمین را پدید آورد متوجه کردم، و از مشرکان نیستم (۷۹) قومش با او به گفت‌وگوی نادرست و بی‌دلیل برخاستند، [به آنان] گفت: آیا درباره خداوند یکتا با من سخن نادرست و بی‌دلیل می‌گویید درحالی‌که او مرا هدایت کرده، و من از آنچه که شریک او قرار می‌دهید هیچ ترسی ندارم، مگر آن‌که پروردگارم چیزی را [برای من] بخواهد، دانش پروردگارم همه چیز را فراگرفته، آیا [برای فهم حقایق] هشیار نمی‌شوید؟! (۸۰) چگونه از بُت‌هایی که شریک او قرار داده‌اید بترسم؟ درحالی‌که خود شما از اینکه چیزی را شریک خدا قرار داده‌اید - که خداوند هیچ دلیلی بر حقانیت آن‌ها بر شما نازل نکرده است - نمی‌ترسید، اگر دانا [ای به حقایق] هستید بگویید کدامیک از دو گروه [موحدان و مشرکان] به ایمنی [از عذاب دنیا و آخرت] سزاوارترند؟ (۸۱)

مؤمنانی که ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند برای آنان ایمنی [از هر عذابی] است، ایشان هدایت یافتگانند (۸۲) این [مطالب استواری که گذشت] حجت و بُرهان ما بود که به ابراهیم در برابر قومش عطا کردیم، درجات هرکه را بخواهیم بالا می‌بریم؛ زیرا پروردگارت حکیم و داناست (۸۳) و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیده، هر یک را هدایت کردیم، و نوح را پیش از این، نعمت هدایت داده بودیم، و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را در عرصه هدایت قرار دادیم، ما این‌گونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (۸۴) و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس [که از نسل اویند] همه از شایستگانند (۸۵) و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط [را هدایت کرده]، همه را بر جهانیان برتری دادیم (۸۶) و [کسانی] از پدران و فرزندان و برادرانشان [را به شرف هدایت اختصاص داده]، آنان را برگزیدیم، و به راهی مستقیم راهنمایی کردیم (۸۷) این هدایت خداست که هرکس از بندگانش را بخواهد به آن دلالت می‌کند، و اگر آنان برای خداوند شریک قرار داده بودند مسلماً آنچه [عمل شایسته] انجام می‌دادند تباه و بی‌اثر می‌شد (۸۸) آنان کسانی هستند که کتاب و منصب داوری و نبوت عطایشان کردیم، پس اگر اینان [که اهل مکه‌اند و امثالشان تا قیامت] منکر پیامبران و کتب آسمانی شوند یقیناً گروهی را می‌گماریم که نسبت به آنان و کتاب‌هایشان منکر نخواهند بود (۸۹) [پیامبرانی که از آنان یاد شد] کسانی هستند که خداوند هدایشان کرد، پس به هدایت آنان اقتدا کن! و [به مردم] بگو: در برابر این [رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، این [قرآن و رسالتم] جز یادآور حقایق برای جهانیان نیست (۹۰)

[یهودیانِ ضد اسلام]، خداوند را آن‌گونه که شایسته قدرشناسی اوست قدرشناسی نکردند، چون گفتند: خداوند به‌سوی هیچ بشری نفرستاده است، بگو: کتابی را که موسی آورده چه کسی فرستاده؟ درحالی‌که روشنگر [حقایق] و هدایتگر [به‌سوی حقایق] است، شما آن را در صفحاتی ثبت می‌کنید، بخشی از آن را [که دلخواه شماست برای مردم] آشکار می‌کنید، و بسیاری از آن را [که حاوی صفات پیامبر و حقانیت قرآن است] پنهان می‌دارید! درحالی‌که آنچه را شما و پدران‌تان نمی‌دانستید [به‌وسیله تورات] تعلیم گرفتید، بگو: فقط خدا، سپس آنان را رها کن تا در بیهوده‌گویی و بازیگری‌شان فروروند! (۹۱) این [قرآن] کتابی است که ما آن را خجسته و پُرخیّر نازل کردیم، تصدیق‌کننده [حقانیت] کتاب‌های پیش از خود است، [آن را فرستادیم] تا مردم مکه و کسانی را که پیرامون آن هستند هشدار دهی، آنان که آخرت را باور دارند به آن ایمان می‌آورند درحالی‌که همواره بر نمازشان مراقبت می‌کنند (۹۲) ستمکارتر از کسی که به خدا دروغ می‌بندد؟ یا [ستمکارتر از] آنکه بگوید: به من وحی شده، درحالی‌که چیزی به او وحی نشده است، و نیز کسی که بگوید: من به‌زودی مانند آنچه را خدا نازل کرده، نازل می‌کنم چه کسی است؟ اگر ستمکاران را هنگامی که در سختی‌های مرگ فرورفته‌اند ببینی [حادثه هول‌انگیزی را خواهی دید]، و [آن این‌که] فرشتگان دست‌های خود را به‌سوی آنان گشوده [نعره می‌کشند]: جان‌هایتان را بیرون کنید. امروز به سبب دروغ‌هایی که ظالمانه به خدا بستید و در برابر آیاتش تکبر می‌کردید به عذاب خوارکننده‌ای مجازات می‌شوید (۹۳) [آری] همان‌گونه که شما را نخستین بار [در رجم مادر، تنها و دست خالی] آفریدیم اکنون هم تنها نزد ما آمدید، آنچه را [در دنیا] به شما داده بودیم پشت سرگذارده [از دست دادید]، [امروز] شفیعیان‌تان را که شریک [ربوبیت خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم! یقیناً پیوندهای شما [با همه چیز] بریده و آنچه گمان می‌کردید [شفیعیان شمایند] از دستتان رفته و گم شده است! (۹۴)

همانا خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و بیرون‌آورنده مرده از زنده است، این است خدای شما، پس چگونه شما را [از توحید به سوی شرک] منحرفتان می‌کنند؟! (۹۵) شکافنده صبح [از پرده تاریک شب] است، و شب را مایه آرامش، و خورشید و ماه را وسیله‌ای برای محاسبه و اندازه‌گیری قرار داد، این است اندازه‌گیری آن توانای شکست‌ناپذیر دانا (۹۶) او کسی است که ستارگان را برای شما پدید آورد تا به وسیله آن‌ها در تاریکی‌های خشکی و دریا [به سوی مقصد] راه یابید، مسلماً ما نشانه‌ها [ی مؤثر در زندگی] را برای مردمی که دانایند بیان کردیم (۹۷) او کسی است که شما را از یک تن آفرید، برای شما قرارگاهی [در زمین]، و ودیعتگاهی [در رحم] است، ما آیات [خود] را [در باره وضع انسان] برای قومی که می‌فهمند بیان کردیم (۹۸) او کسی است که از آسمان آبی [فراوان و پُربرکت] فرستاد که به وسیله آن گیاهان گوناگونی از زمین بیرون آوردیم، و از آن‌ها ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج کردیم، از آن [ساقه‌ها و شاخه‌ها] دانه‌های متراکم درمی‌آوریم، از شکوفه درخت خرما خوشه‌های سر فروهشته [به وجود می‌آوریم]، و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار شبیه به هم و بی‌شبهت با یکدیگر [در دسترس شما قرار می‌دهیم]، به میوه‌اش وقتی به بار می‌نشیند، و به رسیدنش با تأمل و دقت بنگرید! مسلماً در این [تنوع گیاهان و میوه‌جات و رویدنی‌ها] برای مردمی که ایمان دارند نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است (۹۹) [مشرکان] برای خداوند شریکانی از جنّ قرار دادند درحالی‌که همه آنان آفریده خدا هستند، و برای خدا از روی نادانی [در دنیای خیالشان] پسران و دخترانی ساختند. خداوند منزّه و برتر است از آنچه او را به آن وصف می‌کنند (۱۰۰) [خداوند] بدون نقشه و ابزار و مواد، پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، چگونه او را فرزندی باشد درحالی‌که برای او همسری نبوده، او همه چیز را [در عین بی‌نیازی] آفریده، و او به همه چیز داناست (۱۰۱)

این است خداوند، پروردگار شما که جز او هیچ معبودی وجود ندارد، آفریننده همه چیز است؛ [بنا بر این فقط] او را بپرستید، و او کارساز و مدبّر همه موجودات [جهان هستی] است (۱۰۲) چشم‌ها او را در نمی‌یابند، و او چشم‌ها را در می‌یابد، او دقیق و ریزنگر و آگاه است (۱۰۳) برای شما از سوی پروردگارتان دلایلی روشن آمده، هرکه [با آن دلایل] بینا شود به سود خود اوست، و هرکه در کوردلی بماند به زیان خود اوست، من [در هیچ کاری] نگهبان شما نیستم؛ [وظیفه‌ام فقط رساندن پیام خداست] (۱۰۴) ما این گونه، آیات را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کنیم، [بگذار منکران] بگویند: [این آیات را] از دیگران فرا گرفته‌ای، ولی ما می‌خواهیم آن را برای گروهی که دانایند روشن سازیم (۱۰۵) آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن! هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان رویگردان باش! (۱۰۶) اگر خدا می‌خواست آنان مشرک نمی‌شدند، [خواست ما، آزادی انسان در انتخاب است نه اجبار]، ما تو را نه اختیاردارِ آنان قرار داده‌ایم و نه کارگزارشان [تا آنکه به اجبار هدایتشان کنی] (۱۰۷) معبودانی را که کافران غیر خداوند می‌پرستند دشنام ندهید! که آنان هم از روی دشمنی و نادانی، خدا را دشنام خواهند داد، ما این گونه برای هر امتی عملشان را در نظرشان آراستیم، نهایتاً بازگشت [همه] آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و آنان را به اعمالی که همواره انجام می‌دادند آگاه می‌کند (۱۰۸) با شدیدترین سوگندهایشان به خداوند سوگند خوردند که اگر معجزه [دلخواهشان] برای آنان بیاید مسلماً به آن مؤمن می‌شوند، بگو: معجزات فقط در اختیار خداست، [نه به دلخواه شما. ای مؤمنان!] شما چه می‌دانید [مطلب چیست؟] مطلب این است که اگر [معجزه دلخواهشان هم] بیاید ایمان نمی‌آورند! (۱۰۹) دل‌ها و دیدگان‌شان را [که ابزار درک و فهم است به کیفر عنادشان] واژگون می‌کنیم [تا با آمدن معجزه دلخواهشان هم ایمان نیاورند]، همان گونه که نخستین بار به قرآن ایمان نیاوردند، و در تجاوزشان رهایشان می‌کنیم که پیوسته سرگردان بمانند (۱۱۰)